بسم الله الرحمن الرحیم

Im Namen Allahs, des Barmherzigen, des Gnädigen

آلمانی (۱)

سال اوّل دبیرستان

Wir lernen Deutsch

۱۳۹۱

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : **دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی**

نام کتاب : **آلمانی (۱) سال اوّل دبیرستان ـ ۲۱۳/۱**

مؤلفان : **دکتر فرزین بانکی، صدیقه وجدانی، یزدگرد وزیری منفرد، محمدحسین خواجه‌زاده** و **نسترن مبصر**

با همکاری : **احمدعلی حیدری، علی‌اصغر مصلح، هایده زرگری‌زاده، توران فیض‌الله‌زاده، ژیلا همتیان** و **لادن لنگری**

بازنگری و اصلاح : **سعید کفایتی**

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : **ادارهٔ کلّ چاپ و توزیع کتاب‌های درسی**

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وب‌سایت: www.chap.sch.ir

نقاش : **سعید رزاقی، مریم کیوان**

صفحه‌آرا : **طرفه سهائی**

طراح جلد : **علیرضا رضائی‌کُر**

ناشر : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادّهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (دارو پخش)**

تلفن: ۵ ـ ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ ۳۷۵۱۵

چاپخانه : **نادر**

سال انتشار : **۱۳۹۱**

ISBN 964-05-1421-7 شابک ۷-۱۴۲۱-۰۵-۹۶۴



پیشتر به زبان (خارجی) احتیاج نبود. امروز احتیاج است. باید زبان‌های زنده‌ی دنیا جزو برنامه‌ی تبلیغات مدارس باشد... امروز مثل دیروز نیست که صدای ما از ایران بیرون نمی‌رفت. امروز ما می‌توانیم در ایران باشیم و در همه جای دنیا با زبان دیگری تبلیغ کنیم.

امام خمینی «قدّس سرّه الشّریف»

بسمه‌تعالی

پیشگفتار

امروزه به علت سرعت فزاینده پیشرفت دانش بشری و انتشار نتایج آن‌ها به زبان‌های زنده دنیا، آموختن حداقل یک زبان خارجی از اهمیت ویژه برخوردار است و یکی از اهداف عمده آموزش زبان‌های خارجی این است که به‌عنوان وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌گیری از منابع علمی به‌کار رود. به همین جهت آموزش زبان‌های خارجی در نظام‌های آموزش و پرورش جهان متداول بوده است. از طرفی طبق یافته‌های روانشناسی یادگیری و اصول علمی برنامه‌ریزی درسی باید عامل نیاز، علاقه و انگیزه دانش‌آموز در انتخاب مواد و مطالب درسی مفید درنظر گرفته شود. از این‌رو اکنون با درنظر گرفتن ملاحظات فوق علاوه بر زبان انگلیسی، زبان‌های آلمانی و فرانسه نیز در برنامه‌های درسی شش ساله دوم تحصیلی مدارس منظور شده است تا آنان بتوانند زبان خارجی مورد علاقه خود را برگزینند.

مطالب کتاب به‌گونه‌ای تدوین شده است که آموزش زبان بیشتر بر انتقال ساختارهای جمله تأکید دارد تا آموزش مطالب دستوری صِرف. علاوه بر این با گنجاندن تمرین‌های کافی، امکان انتخاب نوع تمرین برای دبیران محترم فراهم آمده است.

امید است این کتاب برای معلمان و دانش‌آموزان عزیز مفید باشد.

همچنین در ادامه به منظور آموزش مفیدتر زبان آلمانی در آینده نزدیک، نظر شما همکاران محترم را به چشم‌انداز آموزش زبان‌های خارجی معطوف می‌داریم ؛

چشم انداز آموزش زبان‌های خارجی

با لطف و مدد الهی، همسو با برنامه‌ریزی‌های جدید به‌منظور بسترسازی مناسب برای ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی ـ تربیتی کشور، در گروه زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، نظریه و رویکردی نوین و نوآورانه مورد توجه صاحب‌نظران و کارشناسان قرار گرفت.

در این رویکرد، ضمن توجه به اهمیت پرداختن به چیستی، چرایی و چگونگی فعالیت‌های آموزشی ـ تربیتی، آموزش کیفی و توأمان مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن، کیفی‌سازی آموزش مهارت‌های یادگیری نیز مدنظر است. در این راستا،

فراگیرندگان باید متفکرانه، عاقلانه و عالمانه از یک‌سو با نگاهی دوسویه، هدفمند و ارزش‌مدار از سویی دیگر، فعالانه و آگاهانه، مهارت‌آموزی کنند.

به‌منظور دست‌یابی به زیبایی‌شناسی فطری، تألیف کتاب‌های درسی جدید رویکردی تفکرگرا، تعقل‌محور و خودشکوفا دارد و در آن ایجاد ارتباطی سالم، بانشاط، ارزش‌مدار، هدفمند، فعال، پویا، معنادار، دوسویه و تأثیرگذار، مورد تأکید است. در برنامه‌ریزی‌های جدید، رویکرد تألیف کتاب‌های زبان‌های خارجی به‌ویژه زبان انگلیسی، از نگاهی علمی ـ معرفتی، منطقی و فرهنگی برخوردار است که در واقع ارزش‌های هویتی اسلامی ـ ملی‌مان را دربردارد. این برنامه، کیفی‌سازی آموزش زبان را با نگرشی توحیدی نسبت به تنظیم اهداف، محتوا، روش یاددهی، ارزش‌یابی فرایندی و ... نیز پوشش می‌دهد.

در این رویکرد، پیام‌های آموزشی ـ تربیتی از مرز مفاهیم پیشتر می‌روند و کاربردی می‌شوند. فراگیرندگان در فضای آموزشی ـ تربیتی و کلاس درس، مصرف‌کنندهٔ صرف اطلاعات دریافتی نیستند، بلکه خود می‌توانند ناقد و تحلیل‌گر محتوای آموزشی باشند و بر رشد فرایندی فعالیت‌های علمی ـ معنوی در مشارکتی معنادار بیفزایند و هم‌افزایی کنند.

هم‌چنین در برنامه‌ریزی‌های جدید بسته‌های آموزشی ـ تربیتی، علاوه بر کتاب درسی به عنوان منبع اصلی، کتاب کار و نرم‌افزار آموزشی برای خودآموزی فراگیرندگان، کتاب راهنمای معلم و فعالیت‌های جانبی و مکمل دیگری از جمله معرفی سایت‌های مفید و فیلم‌های زیرنویس‌دار دو یا سه زبانه، سی‌دی‌ها و کتاب‌های آموزشی ـ تربیتی و تولیدات جدید و ... نیز مورد توجه است. لذا در امر آموزش، علاوه بر توجه به کیفی‌سازی مهارت‌های یادگیری و مهارت‌های دریافتی، توجه به مهارت‌های تولیدی به‌ویژه سخن گفتن و نگاشتن ضمن دقت در فلسفهٔ آموزش و فراگیری و هم‌چنین تقویت نگاه و روحیهٔ پرسش‌گری و پاسخ‌گویی مسئولانه و ... ملاک فعالیت‌هاست تا ویژگی‌های انسان از دیدگاه قرآن حکیم (تفکر، تعقل، علم، ایمان به خالق هستی‌بخش، عمل صالح و اخلاق نیکو) در فرد متبلور شوند و فراگیری معنادار به تغییر رفتار مستمر و پایدار در مسیر الهی بینجامد. در برنامه‌ریزی‌های جدید سعی شده است، ضمن ایجاد نشاط علمی در فضای آموزشی ـ تربیتی، رشد تربیت علمی ـ معرفتی و تعمیق فعالیت‌های مفید فرهنگی، به‌ویژه فرهنگ‌سازی برای تولید محتوا، مدنظر قرار گیرد. به‌علاوه، بر توسعهٔ انسانی فطرت‌گرا، گسترش زیبایی‌شناسی فطری، اهمیت و جایگاه علم و معرفت کاربردی در زندگی تأکید شود و در راستای چشم‌انداز ۲۰ سالهٔ نظام جمهوری اسلامی ایران، برای رشد و تعالی ارتباطات انسانی ـ اجتماعی جامعهٔ بشری، ارتباطات زبانی را ارزش‌مدار، معنادار، تأثیرگذار، مفید و خودباورانه سازد.

گروه درسی زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

http: //eng-dept.talif.sch.ir

Im Namen Allahs

Inhaltsverzeichnis

معلمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره‌ی مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۳۶۳/۱۵۸۵۵ ـ گروه درسی مربوط و یا پیام‌نگار (Email) **talif@talif.sch.ir** ارسال نمایند.

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

Im Namen Allahs

Lektion 1

1 A

Kurzgespräche



1. In der Schule

△- Hallo, ich heiße Ali.
Und du? Wie heißt du?

○ - Ich heiße Amin und komme aus Abadan.
Und du? Woher kommst du? Kommst du auch aus Abadan?

△- Nein, ich komme aus Esfahan.

2. In der Bäckerei

2. a

△ - Guten Tag, Frau Alawi!

○ - Guten Tag, Herr Karimi! Bitte, ein Brot.

△ - Moment, bitte. So. Hier ist ein Brot für Sie.

○ - Danke. Auf Wiedersehen!



2. b

△ - Guten Tag! Haben Sie drei Brote?

○ - Nein, ich habe nur zwei.

3. Auf der Straße

△ - Bitte, wo ist der Park?

○ - Geradeaus.

△ - Wo ist die Post?

○ - Dahinten links.

△ - Und wo ist das Hotel, bitte?

○ - Hier rechts.



Übungen

1. Wie heißt du?

....

2. Wie heißen Sie?

Ich heiße..................... .

3. Bist du Ahmad?

Nein, ich heiße............ .

4. Sind Sie Frau Alawi?

Nein, ich heiße............ .



5. Kommen Sie aus Wien, Frau ....?

Nein, ich komme aus............... .

6. Kommen Sie aus Bonn, Herr ....?

Nein, ich komme aus ....

7. Woher kommst du, ...?

Ich komme aus ....

8. Kommen Sie aus ....?

9. Kommst du aus ....?



a) haben - sein

Ich	habe	ein	Brot.
Sie	haben	drei	Brote.
	Haben	Sie	Brot?

Bist	du	Ahmad?
Sind	Sie	Frau Alawi?

Hier	ist	ein Brot	für Sie.
Wo	ist	das Telefon?	

b) heißen-kommen

Ich	heiße	Ali
	Heißt	du Parwin?

Ich	komme	aus Abadan.
	Kommst	du aus Esfahan?
	Kommen	Sie aus Bonn?

Wie	heißt	du?
Woher	kommst	du?

c) Der Artikel

der = maskulin	(männlich)
das = neutral	(sächlich)
die = feminin	(weiblich)

der Herr	die Frau	das Brot
der Park	die Post	das Hotel
der Bäcker		das Telefon
der Moment		

Übungen

1. Ergänzen Sie ***ist***, ***bist***, ***sind***.

a) ...... du Babak?
b) Wo ...... die Post?
c) ...... Sie Herr Akbari aus Esfahan?
d) Der Park ...... dahinten links.
e) Wo ...... du, Parwin?

2. Ergänzen Sie ***habe***, ***haben***.

a) Ich ...... ein Brot.
b) Sie ...... drei Brote.
c) Ich ...... Brot für Sie.
d) Bitte, ... Sie Brot?

3. Ergänzen Sie ***wo***, ***woher***, ***wie***.

a) Bitte, ... ist das Hotel "Homa"?
b) Bitte, ... kommen Sie?
c) Bitte, ... heißen Sie?
d) Bitte, ... ist die Post? - Hier links.
e) ...... kommt der Herr? - Aus Zürich.
f) ...... ist Amin? - Beim Bäcker.
g) ...... heißt du?

4. Schreiben Sie: ***ich***, ***Sie***,***du***.

a) ...... heiße Hans. Und......?
b) Sind ...... Elisabeth Huber aus Köln?
c) Nein, ... bin aus Berlin. ...... heiße Rosa Huber.
d) Herr Akrami, kommen ...... aus Maschhad?
e) Nein, ... komme aus Rascht.
f) Herr Huber, haben ...... Brot?
g) Ja, ... habe drei Brote.

5. Schreiben Sie: ***habe***, ***haben***, ***bin***, ***ist***, ***sind***.

a) Bitte, wo ...... Herr Alawi?
b) Ich ...... Brot für Sie.
c) Hier ...... der Park.
d) Herr Huber, wo ...... Sie?
e) Ich ...... beim Bäcker.
f) ...... Sie drei Brote?

Der Himmel ist zu den Füßen der Mutter.

(Unser Prophet, Mohammad. Friede sei mit Dem Propheten und seinen Nachkommen)



Masdjed - al - Nabi : Medina

بهشت زیر پای مادران است.

حضرت محمّد (ص)

Test

a) Frau Alawi kommt ...... Tabris. b) Moment, ... ist ein Brot für Sie.

c) Kommst du ...... Esfahan? d) - ......, aus Schiras. e) Bitte, wie ...... du?

f) - Ich ...... Amin.

g) ...... Sie Frau Alawi? - Nein, ich heiße Hamidi.

2 A

Um eine Auskunft bitten



1. Bitte, wo ist ...?

A: Bitte, wo ist die Abanstraße?

B: Tut mir leid, das weiß ich nicht.

* * *

A: Wissen Sie, wo die Abanstraße ist?

C: Nein, ich habe keine Ahnung. Ich bin nicht von hier.

2. Sind Sie von hier?

A: Entschuldigung, sind Sie von hier?

D: Ja?

A: Wissen Sie, wo die Rahnemaschule ist?

D: Die Rahnemaschule? Ja, das weiß ich. Kennen Sie das Rathaus und die Abanstraße?

A: Nein.

D: Also, das ist ganz einfach. Gehen Sie geradeaus, dann ist dahinten die Universität, dann rechts bis zum Rathaus, und dann links. Das ist die Abanstraße. Die Rahnemaschule ist Nummer zwanzig.

A: Danke! Ist das weit?

D: Ja, ziemlich. Nehmen Sie ein Taxi!

A: Vielen Dank. Auf Wiedersehen!



3. Herr Adib und der Taxifahrer

T: Wohin, bitte?

A: Fahren Sie in die Abanstraße Nummer zwanzig!

T: Das ist ein Hochhaus, nicht? Ja, das kenne ich.

A: Ich weiß nicht, ich bin nicht von hier.

T: So, hier ist die Abanstraße Nummer zwanzig. Das Hochhaus ist gegenüber.

A: Vielen Dank. Wie viel macht das?

T: Das macht ....



4. Herr Adib und der Portier

P: Die Rahnemaschule? Die kenne ich nicht. Die ist nicht hier.
Moment mal, die ist gegenüber, Nummer zweiundzwanzig.

A: Vielen Dank!



5. Zahlen

a. 0 null — 1 eins — 2 zwei — 3 drei — 4 vier — 5 fünf — 6 sechs — 7 sieben — 8 acht — 9 neun — 10 zehn

11 elf — 12 zwölf — 13 ... dreizehn — 16 sechzehn — 17... siebzehn — 20 zwanzig

21 einundzwanzig — 22 zweiundzwanzig — 23 ... dreiundzwanzig — 30 dreißig

40 — 50 — 60 — 70 — 80 — 90 — 100

vierzig fünfzig sechzig siebzig achtzig neunzig hundert

b. Hier ist Bus Nummer 11, 14, 17, 9, 20, 7, 13, 15, 18, 24, 39, 42, 51, 68, 79, 87, 99 und 100

c.	+	Plus	2 + 2 = 4	Zwei plus zwei ist gleich vier.
	-	minus	14 - 8 = 6	Vierzehn minus acht ist gleich sechs.
	:/ ÷	durch	18:9 = 2	Achtzehn durch neun ist (gleich) zwei.
	./ ×	mal	13.3 = 39	Dreizehn mal drei ist neununddreißig.

Übungen

1. Sind Sie von hier? - Ja, ich bin von hier.
- Nein, ...

Sind Sie aus Teheran? - Nein, ich ... ...

Sind Sie aus ...? - Ja, ...
- Nein, ...



2. Wissen Sie, wo das Rathaus ist?
Ja, ...
Nein, ...
Wissen Sie, wo die Abanstraße ist?
Ja, ...
Nein, ...

3. Fahren Sie in die ...!
Ist das ...?
Nein, ...

4. Kennen Sie die Universität?
Ja, ...
Nein, ...
Kennen Sie die Rahnemaschule?
Ja, ...
Nein, ...

5. Nehmen Sie das Taxi?
Ja, ...
Nein, ...

Schillerstraße
Kargarstraße
Abanstraße
Bergstraße
Seestraße

6. Wie viel ist das?
Beispiel: (8 + 4) – (12 : 2) = 6
1. (79 – 61) : 3 =
2. [(14+16):2] – (5+3) =
3. [(20.5) : (5.4)] – 1 =
4. (100:5) . (20+3) =

Grammatik 2B

a) Ist das ...? -Ja, das ist ... / Nein, das ist nicht ...

		Ist	das		die	Beethovenstraße?
Ja,	das	ist			die	Beethovenstraße.
Nein,	das	ist		nicht	die	Beethovenstraße.
		Kennen	Sie		die	Beethovenstraße?
Ja,	die	kenne	ich.			
Nein,	die	kenne	ich	nicht.		

b) Wo ist ...?; ..., wo...ist.

	Wo	ist				die	Rahnemaschule?	
	Das	weiß	ich	nicht.				
		Wissen	Sie,		wo	die	Rahnemaschule	ist?
Ja,	das	weiß	ich.					
Ja,	ich	weiß,			wo	die	Rahnemaschule	ist.
Nein,	ich	weiß		nicht,	wo	die	Rahnemaschule	ist.

c) Der Imperativ

Gehen Sie geradeaus!
Nehmen Sie ein Taxi!
Fahren Sie in die Abanstraße, bitte!

Übungen

1. bin - ist - sind

a) Hier ...... Ihr Brot.
b) Herr Bauer ...... im Hotel.
c) Woher ...... Frau Schulz?
d) Nummer zwanzig ...... ein Hochhaus.
e) Ich ...... nicht von hier.
f) Das Rathaus ...... gegenüber.
g) Entschuldigung, ... Sie der Portier?
h) Tut mir leid, ich ...... nicht von hier.

2. der - das - die

a) Fahren Sie in ...... Abanstraße?
b) Wissen Sie, wo ...... Rathaus ist?
c) Kennen Sie ...... Rathaus?

d) ...... Taxifahrer weiß nicht, wo ...... Schule ist.
e) Ist ...... Brot für Frau Müller?

3. wo - woher - wohin
a) Bitte, ... ist das Rathaus?
b) ...... fahren Sie? - In die Abanstraße.
c) ...... ist Herr Müller? - Im Hotel.
d) Wissen Sie, ... das Krankenhaus ist?
e) ...... sind Sie? - Aus Iran.

4. weiß - wissen - kenne - kennen
a) Das Hotel “Park” ...... ich nicht.
b) ...... Sie, wo Herr Danesch ist?
c) ...... Sie Kerman?
d) Ich ...... nicht, wo die Post ist.
e) Ich ...... die Universität nicht.
f) ...... Sie Frau Danesch?

5. aus - bis zum - im - in die - von
a) Fahren Sie .... Goethestraße!
b) Herr Ahmadi ist nicht ...... hier.
c) Gehen Sie .... Rathaus und dann links!
d) Frau Schulz ist ...... Hotel.
e) Herr Borumand ist ...... Tabris.
f) Herr Assadi ist ...... Hamedan.
g) Fahren Sie .... Hotel und dann rechts!

6. nein - nicht
a) Das Krankenhaus ist ...... in der Kargarstraße.
b) Der Portier weiß ......, wo die Universität ist.
c) Sind Sie aus Jasd? - ......, aus Esfahan.
d) Das Brot ist ...... für Frau Müller.
e) Sind Sie von hier? - ......, tut mir leid.

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen!

Guten Tag, Herr ... Frau ...	Auf Wiedersehen, Herr ... Frau ...
Hallo, Amin! Bist du Amin? Woher bist du? Bist du aus ...?	Mein Name ist ... Nein, ich heiße ... Ich bin aus ... Ja, ... / Nein, ...
Entschuldigung, sind Sie von hier? Bitte, wo ist ...? Wo ist ..., bitte? Wissen Sie, wo ... ist? Kennen Sie ...? Ist das weit? Danke! / Vielen Dank!	Ja./ Nein, ich bin nicht von hier. Gehen Sie / Fahren Sie geradeaus bis zum Rathaus und dann links / rechts! Ja, das weiß ich. Nein. / Tut mir leid, das weiß ich nicht. Nein, ich habe keine Ahnung. Ja, ziemlich. Nehmen Sie ein Taxi! Bitte!
Taxi! Fahren Sie ...!	Wohin, bitte?

Test

a) Wissen Sie, wo der Asadiplatz ist?
   - Nein, das ... ... nicht.

b) Kennen Sie die Rahnemaschule?
   - Nein, die ... ... nicht.

c) Gehen Sie in die Abanstraße?
   - Nein, ... in die Parkstraße.

d) Fahren Sie zum Wanakplatz?
   - Nein, ... zum Rathaus.

e) Nehmen Sie ein Taxi?
   - Ja, ... ein Taxi.

3 A

Eine Verabredung

1. Hamed telefoniert mit Ali

H: Guten Tag! Familie Danesch?
Fr. D: Grüß Gott! Ja, bitte schön.
H: Ist Ali zu Haus?
Fr. D: Ja, wie ist Ihr Name, bitte?
H: Mein Name ist Amiri, Hassan Amiri.
Fr. D: Einen Moment, bitte.

* * *

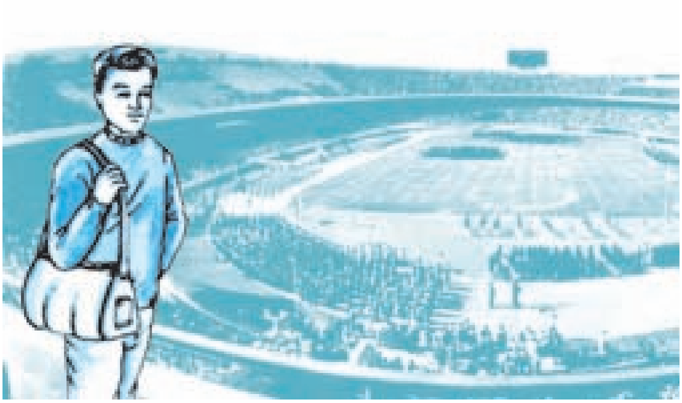


A: Hallo, Hamed.
H: Hallo, Ali.
Kommst du morgen nachmittag mit?
A: Wohin denn?
H: Zum Fußballplatz.
A: Um wie viel Uhr wollen wir gehen?
H: Um drei Uhr.
A: Wann beginnt das Spiel?
H: Um halb vier.
A: Und wann fahren wir zurück?
H: Das weiß ich noch nicht.

A: Gut, ich komme.
H: Also, dann bis morgen um drei.
A: Ja, auf Wiederhören, Hamed.

2. Im Stadion

Um halb drei nimmt Hamed ein Taxi zum Stadion.
Ali ist noch nicht da. Hamed telefoniert Ali.
“Tut mir leid”, sagt Ali, “ich komme heute nicht. Ich bin krank.”
Hamed trinkt eine Tasse Tee.
Dann geht er zum Fußballplatz.



3. Hamed und Ali telefonieren

A: Hier ist Ali. Guten Tag, Herr Amiri.
Ist Hamed zu Haus?
H.A: Guten Tag, Ali. Einen Moment, er kommt gleich.
H: Hallo, Ali. Wie geht’s?
A: Danke Hamed. Gut. Ich bin wieder gesund.
Ich komme morgen in die Schule.
H: Schön. Ich komme auch.
Nimmst du ein Taxi?
A: Nein, ich nehme den Bus.
Ich bin um halb acht dort.
H: Hoffentlich kommst du morgen!
Alle sagen: Ali fehlt immer.



Übungen

1. Wie ist dein Name?
Wie ist Ihr Name?
Mein Name ist ... .

2. Um wieviel Uhr wollen Sie gehen?
Um ... .

3. Wann beginnt das Fußballspiel?
das Tennisspiel?
das Volleyballspiel?
das Basketballspiel?
das Handballspiel?

4. Wann beginnt der Unterricht?
der Film?
das Theater?
die Prüfung?

5. Wohin wollen Sie fahren?
Ich will nach Tabris fahren.
Maschhad
Esfahan
Ahwas
Abadan
Schiras
Jasd

6. Wohin fliegt die IRAN AIR?
Die IRAN AIR fliegt nach ... .

7. Wann geht die Bahn?
Die Bahn geht um ... .

Grammatik 3B

a) Der bestimmte und der unbestimmte Artikel

	Bestimmter Artikel	Unbestimmter Artikel	
Maskulin	der Park	ein	Park
Neutral	das Brot		Brot
Feminin	die Post	eine	Post

b) Das Substantiv - Nominativ und Akkusativ

	Subjekt Nominativ		Objekt Akkusativ	
Maskulin	Der Bus	fährt		um zwölf.
	Herr Müller	nimmt	den Bus	um zwölf.
	Er	trinkt	einen Tee.	
Neutral	Das Taxi	fährt		zum Rathaus.
	Herr Adib	nimmt	das Taxi	um drei.
	Er	kennt	ein Restaurant	im Stadion.
Feminin	Die Bahn	fährt		um sechs.
	Herr Adib	nimmt	die Bahn	um sechs.
	Er	hat	eine Verabredung.	

c) Das Verb

1. Person Plural/ Sie - Form	1. Person Singular	2. Person Sing.	3. Person Sing
wir/Sie: - en	ich: - e	du: - st	er/es/sie: - t
gehen	gehe	gehst	geht
heißen	heiße	heißt	heißt
kennen	kenne	kennst	kennt
kommen	komme	kommst	kommt
beginnen	beginne	beginnst	beginnt
sagen	sage	sagst	sagt
telefonieren	telefoniere	telefonierst	telefoniert
trinken	trinke	trinkst	trinkt
fehlen	fehle	fehlst	fehlt
fliegen	fliege	fliegst	fliegt
haben	habe	hast	hat
fahren	fahre	fährst	fährt
nehmen	nehme	nimmst	nimmt
wissen	weiß	weißt	weiß
wollen	will	willst	will
sind	bin	bist	ist

d) Er fliegt .../... fliegt er

Er	fliegt	um zehn nach Maschhad.
Wann	fliegt	er?
Um zehn	(fliegt	er).
Wohin	fliegt	er?
Nach Maschhad	(fliegt	er).

Übungen

1. Wann wollen Sie fliegen, Herr Müller?
Um zehn.
Ich will um zehn fliegen, sagt Herr Müller.
Ich fliege um zehn.
Herr Müller fliegt um zehn.
Herr Müller will um zehn fliegen.

a) Wann wollen Sie fahren, Frau Danesch?
Um elf.
Ich .... um elf fahren, sagt Frau Danesch.
Frau Danesch .... um elf.
Frau Danesch .... um elf fahren.

b) Was wollen Sie trinken, Herr Ahmadi?
Eine Tasse Tee?
Ich .... eine Tasse trinken, sagt Herr Ahmadi.
Ich .... eine Tasse.
Herr Ahmadi .... eine Tasse.
Herr Ahmadi .... eine Tasse trinken.

c) Wohin wollen Sie telefonieren, Herr Adib?
Nach Köln.
Ich .... nach Köln telefonieren, sagt Herr Adib.
Ich .... nach Köln.
Herr Adib .... nach Köln.
Herr Adib .... nach Köln telefonieren.

d) Wohin willst du gehen, Ahmad?
Zum Rathaus.
Ich .... zum Rathaus gehen, sagt Ahmad.
Ich .... zum Rathaus.

Ahmad ... zum Rathaus.
Ahmad ... zum Rathaus gehen.

2. Der Bus fährt um zehn. Nimmst du den?
Ja, ich nehme den Bus um zehn.
Der Zug fährt um sechs. Nimmst du den?
Ja, ich nehme den Zug um sechs.

a) Die Bahn fährt um neun. Nehmen Sie die?
b) Der Zug fährt nach Hamburg. Nimmst du den?
c) Der Bus fährt zum Rathaus. Nimmst du den?
d) Das Taxi fährt zum Hotel. Nehmen Sie das?

3. Die IRAN AIR fliegt nicht.
Dann nehme ich ... . (Dann nimmt er ... .)

a) Dann ... ... den Zug.
b) Dann ... ... einen Bus.
c) Dann ... ... ein Taxi.

4. Ich komme um 12 Uhr 10.
Ich komme um zwölf Uhr zehn.

a) Sie kommt um 13 Uhr 20.
b) Wir kommen um 15 Uhr 25.
c) Sie kommen um 16 Uhr 30.
d) Er kommt um 17 Uhr 35.
e) Kommst du um 18 Uhr 40?

5. Kennen Sie den Taxifahrer?
Nein, ich weiß nicht, wie er heißt.
Kennst du den Portier?
Nein, ich weiß nicht, wie er heißt.

a) Kennst du den Bäcker?
b) Kennen Sie die Frau?
c) Kennen Sie den Mann?

6. Wohin wollen Sie, nach Graz?
Nein, ich will nach Wien.

Köln, Zürich, Basel, Hamburg, Berlin, London, Maschhad, Ahwas, Esfahan, Schiras.

7. Woher kommt sie, aus Wien?
Nein, sie kommt aus Hamburg.
a) Woher kommt sie, aus Esfahan? (Desful)
b) Woher kommt er, aus Kerman? (Ahwas)
c) Woher kommen Sie, aus Zürich? (Basel)
d) Woher kommst du, aus Berlin? (Hannover)

8. der - das - die - den
a) Nehmen Sie ... Bahn um zwei.
b) Herr Danesch nimmt ... Bus.
c) Kennen Sie ... Portier?
d) Wann ist ... Zug in Köln?
e) Wann fährt ... Zug nach Ahwas?

9. ein - eine - einen
a) Nehmen Sie ... Taxi?
b) Wissen Sie, wo hier ... Krankenhaus ist?
c) Haben Sie ... Uhr?
d) Kennen Sie hier ... Restaurant?
e) Ich kenne ... Taxifahrer.
f) Wann geht morgen ... Zug nach Tabris?

Die Uhrzeit **3C**

1. A: Bitte, wann geht der Zug nach Ahwas?
B: Um zehn Uhr dreißig. Halb elf!
A: Und wie spät ist es jetzt?
B: Zehn Uhr zwanzig.
A: Wie bitte?
B: Zwanzig nach zehn.



2. Wie sagt man die Uhrzeit:



12 Uhr 5 = 5 (Minuten) nach zwölf
13 Uhr 10 = zehn nach eins
14 Uhr 15 = Viertel nach zwei
15 Uhr 20 = zwanzig nach drei oder zehn vor halb vier
16 Uhr 25 = fünf vor halb fünf
17 Uhr 30 = halb sechs
18 Uhr 35 = fünf nach halb sieben
19 Uhr 40 = zwanzig vor acht oder zehn nach halb acht
20 Uhr 45 = Viertel vor neun oder drei Viertel neun
21 Uhr 50 = zehn vor zehn
22 Uhr 55 = fünf vor elf
23 Uhr = elf Uhr
24 Uhr = zwölf Uhr (nachts)
0 Uhr 5 = fünf nach zwölf (nachts)

60 Minuten = eine Stunde
30 Minuten = eine halbe Stunde
15 Minuten = eine Viertelstunde

3. Wann wollen Sie fliegen?

Ich will um ... fliegen.
Wir fliegen heute.
heute vormittag.
heute nachmittag.
morgen nicht.
Wann sind Sie zu Haus?
im Stadion?
in Schiras?

4. Wann fährst du zum Fußballplatz?

nach Hause?
in die Schule?

1. Eine Verabredung am Telefon
(Ali und Hamed)

A: Tut mir leid, Hamed, ich bin noch zu Hause. Ich komme heute nicht. Ich bin krank.

H: Kommst du morgen?

A: Ja, morgen nachmittag.
Also, ich bin um zwei in Teheran.
dann bin ich um zwei in Teheran.

H: Um vierzehn Uhr?

A: Ja, um vierzehn Uhr, und dann bin ich um drei im Stadion.

H: Kennst du das Restaurant im Stadion?

A: Ja, das kenne ich.

H: Gut, da bin ich um Viertel vor drei.

A: Bis morgen, Hamed.
Auf Wiedersehen!

2. Am Busplatz

A: Bitte, wann geht morgen vormittag ein Bus von Teheran nach Kaserun?

B: Um acht Uhr zwanzig.

A: Und wann ist er da?

B: Um 21 Uhr.



3. Wie spät ist es?

Können sie mir sagen, wie spät ist es?

B: Ja, Moment mal.
Wo ist denn meine Uhr?

A: Vielleicht zu Hause?

B: Na hoffentlich!



Test

a) Ich .... ein Taxi.

b) Die IRAN AIR .... heute nicht.

c) Wann .... Sie nach Schiras?

d) Der Portier .... Kamali.

e) Frau Danesch .... um sieben Uhr nach Kerman.

f) .... Sie nach Hamburg?

g) Wir .... nach Tabris fliegen.

h) Er .... den Bus um ein Uhr.

i) .... Sie bitte um zwei Uhr zum Fußballplatz.

4 A

In der Freizeit

1. Ein Ausflug

Hadi: Morgen haben wir frei. Wohin gehen wir?
Farid: Ins Gebirge
Hadi: Kann man dort essen? Gibt es dort ein Restaurant?
Farid: Dort gibt es keins. Aber wir können Brot, Käse, Wurst, Eier und etwas Obst kaufen.
Hadi: Und wer kocht? Ich weiß nicht, wie man das macht.
Resa: Ach, das machen wir schon.
Hadi: Gut. Wann fahren wir? Nehmen wir einen Wagen?
Resa: Nein, wir nehmen den Bus um sechs Uhr.
Hadi: Na gut, jetzt können wir einkaufen gehen.

Hadi und Resa gehen in den Laden. Hadi und der Verkäufer sprechen zusammen.

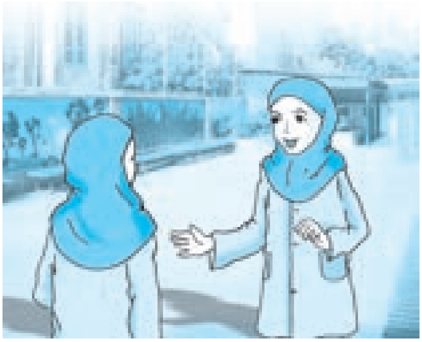


V: Was möchten Sie?
H: Ich möchte sechs Eier und 250 g Käse.
V: Wir haben auch Datteln.
H: Gut. Die nehme ich, 500 g, bitte!
V: Einen Augenblick, bitte!
H: Haben Sie auch Gurken?

V: Leider nicht.
Wir haben heute keine Gurken, aber Tomaten. Möchten Sie welche?
H: Ich nehme 1 kg.
V: Und Getränke? Möchten Sie vielleicht Mineralwasser, Apfelsaft oder Limonade?
H: Nein, danke! Ich möchte nicht. Meine Freunde und ich trinken nur Wasser.
Wie viel kostet das?
V: Einen Moment, bitte! Das macht ... .

2. Am Wochenende

Sara: Mina, was macht ihr am Wochenende?
Mina: Ich weiß noch nicht. Vielleicht gehe ich zu Oma.
Sara: Und deine Eltern, was machen sie?
Mina: Sie möchten ins Theater gehen und ihr?
Sara: Na ja, mein Vater arbeitet immer am Wochenende.
Meine Mutter und ich gehen ins Kino.
Mina: Was macht dein Bruder?
Sara: Er und seine Freunde gehen immer am Wochenende in den Park und dann in den Eisladen.



Übungen

1. das Hotel, das Krankenhaus, das Restaurant, das Taxi, das Telefon.
Gibt es hier ein Hotel?
- Ja, es gibt eins.
- Nein, es gibt keins.
Gibt es hier ein ...?

2. die Post, die Telefonzelle, die Schule
Gibt es hier eine Post?
- Ja, es gibt eine.
- Nein, ...
Gibt es hier eine ...?

3. der Hauptbahnhof, der Laden, der Park, der Briefkasten
Gibt es hier einen Hauptbahnhof?
- Ja, es gibt ... .
- Nein, ...

4. Kennen Sie hier ein Krankenhaus?
ein Restaurant?
einen Sportplatz?
eine Schule?
- Ja, ich kenne ... .
- Nein, ich ... ...

5. Möchten Sie ein Omlett?
ein Mineralwasser?
ein Cola?
eine Limonade?
einen Tee?
einen Kaffee?
einen Apfelsaft?
- Ja, bitte.
- Nein, danke! Ich möchte ... .

Grammatik 4B

a) Nominativ und Akkusativ

Singular

	Maskulinum				
Nom.	der Wagen einer				 keiner
Nom. Akk.	ein einen	mein meinen	dein deinen	Ihr Ihren	kein keinen

	Neutrum					Femininum				
Nom.	das Taxi eins				 keins	die Uhr eine				 keine
Nom.u. Akk.	ein	mein	dein	Ihr	kein	eine	meine	deine	Ihre	keine

Ist das	ein	Wagen?	ein	Taxi?	eine	Uhr?
Ja, das ist		einer.		eins.		eine.
Nein, das ist		keiner.		keins.		keine.
Haben Sie	einen	Wagen?	ein	Taxi?	eine	Uhr?
Hast du	einen	Ball?				
Ja, ich habe		einen.		eins.		eine.
Nein, ich habe		keinen.		keins.		keine.
Ist das	Ihr	Wagen?			Ihre	Uhr?
Ist das	dein	Ball?	Ihr	Taxi?		
Ja, das ist	mein	Wagen.	mein	Taxi.	meine	Uhr.
Nehmen Sie	Ihren	Wagen?	Ihr	Taxi?	Ihre	Uhr?
Ja, ich nehme	meinen	Wagen.	mein	Taxi.	meine	Uhr.

Plural

Nom. u. Akk.	die Cents (welche)	 keine

Sind das	Cents?
Ja, das sind	welche.
Nein, das sind	keine.

b) Das Substantiv - Deklination

Nominativ	Akkusativ	
Wer ist der Herr?	Kennen	Sie den Herrn?
Das ist Herr Schmidt.	Kennen	Sie Herrn Schmidt?

Nur Maskulinum Singular hat eine Akkusativform.

Übungen

1. Herr Schmidt weiß, wo ein Restaurant ist.
Gut, dann frage ich Herrn Schmidt.
(Dann muß ich Herrn Schmidt fragen.)
(Dann fragen wir Herrn Schmidt.)
(Dann müssen wir Herrn Schmidt fragen.)
a) Herr Müller weiß, wo das Rathaus ist.
b) Herr Neumann weiß, wo das Hotel ist.
c) Herr Meyer weiß, wo die Abanstraße ist.
d) Herr Schulz weiß, wo die Taxis sind.

2. Was möchten Sie denn essen?
Ich weiß noch nicht, was ich esse.
a) Was möchten Sie denn trinken?
b) Wann möchten Sie denn fahren?
c) Wann möchten Sie denn fliegen?
d) Wann möchten Sie denn essen?

3. Gibt es hier einen Bus?
Nein, hier gibt es keinen Bus.
(Nein, hier gibt es keinen.)
Ja, da ist einer.
a) Gibt es hier einen Park?
b) Gibt es hier einen Laden?
c) Gibt es hier einen Zug?

4. Gibt es hier ein Taxi?
Nein, hier gibt es kein Taxi.
(Nein, hier gibt es keins.)
Ja, da ist eins.
a) Gibt es hier ein Telefon?
b) Gibt es hier ein Hotel?
c) Gibt es hier ein Restaurant?
d) Gibt es hier ein Hochhaus?

5. Was brauchen Sie denn?
Ich brauche ein Zweieurostück (einen Zehneuroschein).
Tut mir leid, ich habe auch keins (keinen).
Fünfeurostück - Fünfeuroschein - Zehncentstück - Zehneuroschein - Zwanzigeuroschein - Fünfcentstück

6. Möchtest du ein Omlett?
Nein, danke! Ich esse kein Omlett.
Möchten Sie ein Cola?
Nein, danke! Ich trinke kein Cola.
Mineralwasser - Wurst - Brot - Kaffee - Tee

7. ein - einen - einer
a) Hier ist ... Brief für Frau Adib.
b) Sie müssen ... Brot kaufen.
c) Hast du ... Zehneuroschein?
d) Geht heute noch ... Zug nach Ahwas?
e) Ja, um elf Uhr fährt ... .
f) Ich nehme ... Omlett.
g) Zum Rathaus fährt ... Bus.
h) Gibt es hier ... Restaurant?

8. einer - eins - eine
a) Bitte, wo ist hier eine Telefonzelle? - Gegenüber ist ... .
b) Wir brauchen ein Taxi. Hier kommt ... .
c) Wann geht ein Bus zum Hotel? - In zehn Minuten geht ... .
d) Ist hier in der Nähe ein Hochhaus? - Ja, in der Schillerstraße ist ... .
e) Gibt es hier eine Post? - Ja, dahinten ist ... .

9. Ihr -
a) Herr Meyer, ich habe ... Telefonnummer nicht.
b) Wann geht ... Zug?
c) Haben Sie ... Flugschein?
d) Nehmen Sie ... Wagen?
e) Wo ist ... Uhr?
f) Wann ist ... Verabredung?
g) Dort kommt ... Bus.

10. mein -

a) Wo ist ... Brief?
b) ... Uhr ist zu Hause.
c) Ist das Ihre Uhr? - Ja, das ist ... .
d) Ist das Ihr Wagen? - Ja das ist ... .
e) Ist das Ihr Taxi? - Ja, das ist ... .
f) Um fünf Uhr geht ... Zug nach Basel.
g) ... Firma ist in Hamburg.

11. dein -

a) Kommt ... Vater?
b) Wo ist ... Uhr?
c) Wie heißt ... Bruder?
d) Wann ist ... Verabredung?
e) Dort kommt ... Zug!
f) Hast du ... Brot?
g) Hassan, wer ist ... Vater?

12. -?-

a) Können Sie mir zwei ... geben? (Zehneuroschein)
b) In Frankfurt gibt es viele ... . (Hochhaus)
c) Hier gibt es nur zwei ... . (Hotel)
d) Die ... sind am Bahnhof. (Taxi)
e) Bitte, haben Sie drei ...? (Eurostück)
f) Hast du deinen ...? (Brief)
g) Wir brauchen drei ... . (Zimmer)
h) Die ... fahren zum Hauptbahnhof. (Bus)
i) Wir sind fünf ... . (Person)
j) Wir haben morgen drei ... nach Frankfurt. (Bus)
k) Hier sind zwei ... für Sie. (Brief)

Das Geld 4C

Geld ist Münzen oder Scheine zum bezahlen. Geld ist nicht überall gleich. “Währung” ist das Geld in einem Land. Es gibt verschiedene “Währungen”: Tuman, Dollar, Euro usw.

Am 1. Januar 2002 trat der Euro in Deutschland an die Stelle der D – Mark.Elf andere Länder in Europa führten auch Euro ein.

Lesen Sie den Kurztext und schreiben Sie “R” für die richtigen und ”F” für falschen Aussagen.

	R	F
1. Wenn man kauft, muss man bezahlen.	....	....
2. Geld ist überall gleich.	....	....
3. Der Euro ist die Währung nur in Deutschland.	....	....
4. Man kann noch mit D – Mark bezahlen.	....	....
5. Geld gibt es in verschiedenen Materialien.	....	....

1. Den Euro kennen lernen
die (ein) Geldschein, die Geldscheine
(das Geld + **der** Schein)
das (ein) Geldstück, die Geldstücke
(das Geld + **d**as Stück)
die Münze, die Münzen



2. der Tuman /der Rial
der Euro/der Cent

3. ein Eurostück
ein Zweieurostück





4. ein Zweihunderttumanschein
vier Zweihunderttumanscheine
ein Hunderttumanschein
drei Hunderttumanscheine



5. Das sind zwei tausend Tuman und fünfhundert Rial:
Das sind fünf Euro sechzig:

6. 100 = einhundert (hundert)
200 = zweihundert
300 = dreihundert

1000 = eintausend (tausend)
2000 = zweitausend
5000 = fünftausend

Üben Sie

1. Wie viel Geld ist das? Schreiben Sie?

Beispiel: 2,80 ∈ Zwei Euro achtzig.

14,80 ∈ ....
799,90 ∈ ....
45,80 ∈ ....
104,20 ∈ ....
, 80 ∈ ....

2.

Gibt es in Deutschland Zwanzigeuroscheine?
- Ja, es gibt welche.
Gibt es in Iran Eintumanscheine?
- Nein, es gibt keine.
Gibt es in Iran Fünfzigrialstücke?
- Nein, es gibt keine.
Gibt es in Deutschland Fünfhunderteurostücke?
- Nein, es gibt keine.
Gibt es in ... ...?

3. Können Sie wechseln?

A: Entschuldigung, können Sie einen Tausendtumanschein wechseln?
B: Ja, vielleicht. Was brauchen Sie denn?
A: Zwei Fünfhunderttumanscheine.
B: Ich habe nur vier Zweihunderttumanscheine.
Tut mir leid!

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen.

Am Telefon
Hier ist Müller. / Hier Müller.

Ich komme morgen.
morgen vormittag.
morgen nachmittag.
Ich nehme den Zug. Gut. Ich bin um ... am Hauptbahnhof.
Ich komme zum Hauptbahnhof.
Bis morgen.
Auf Wiederhören.

Wann geht der Zug nach ...?	- Um zehn Uhr dreißig.
Haben Sie morgen einen Zug nach ...?	
Wie ist Ihr Name?	- Mein Name ist ...
Wie ist dein Name?	
Was kostet das?	- (Das kostet) ... Euro.

Wie spät ist es?	
Wissen Sie, wie spät es ist?	- (Es ist) drei Uhr.
Weißt du, wie spät es ist?	Viertel nach drei.
	halb vier.
	drei Viertel vier.
Wie bitte?	- Viertel vor vier.

Entschuldigung / Bitte,	
wissen Sie, wie man das hier macht?	- Ja. / Nein, ich habe keine Ahnung.
Können Sie wechseln?	- Ja, vielleicht.
	- Nein, tut mir leid!
Gibt es hier eine Telefonzelle?	- Ja, dahinten.
	- Nein, leider nicht.

Test

ein - ; kein -

a) Bitte, wo ist hier in der Nähe ... Krankenhaus? - Hier gibt es ... .

b) Haben Sie ... Uhr? - Nein, aber dahinten ist ... .

c) Gibt es hier ... Telefon? - Ja, hier links ist ... .

d) Können Sie ... Hunderteuroschein wechseln? - Tut mir leid, ich habe ... Geld!

e) Ich möchte ... Ei essen. - Wir haben ... .

f) Können Sie ... Fünfeurostück wechseln?

g) Ich esse ... Omlett. - Nimmst du auch ...?

5 A

Beim Einkaufen



1. Im Sportgeschäft
(Resa und Verkäufer)

R.: Guten Tag! Ich möchte einen Ball.
V.: Was für einen möchtest du denn?
Einen großen oder einen kleinen?
R.: Wir möchten heute Fußball spielen. Wir haben aber keinen Ball.

V.: Also, einen Fußball. Ist der gut?
R.: Ja, so einen. Aber bitte schwarz - weiß.
V.: Gut, hier hast du einen schwarz - weißen Fußball.
R.: Wieviel kostet der?
V.: Fünftausend Tuman.
R.: Das ist aber teuer!
Ich habe nur dreitausend Tuman.
V.: Dann habe ich noch einen. Der kostet zweitausendfünfhundert Tuman. Ist der billig?
R.: Ja, den nehme ich.
V.: Bitte sehr, fünfhundert Tuman! Möchtest du sonst noch etwas?
R.: Nein, danke sehr! Ich habe leider nur einen Fünfhunderttumanschein.
Können Sie wechseln?
V.: Ja, das geht.

2. Im Schreibwarengeschäft
(Parwin und der Verkäufer)



P.: Ich möchte ein Heft.
V.: Was für eins möchtest du denn?
P.: Ein ganz kleines für Notizen.
V.: Also ein Notizheft. Liniert oder kariert?
P.: Kariert, wenn's geht.
V.: Dieses hier ist ganz gut. Brauchst du sonst noch etwas?
P.: Einen Radiergummi, einen Bleistift und einen Kugelschreiber.
V.: Hier ist ein Radiergummi und ein Bleistift. Von dem Kugelschreiber habe ich zwei Stücke. Dieser kostet sechzigtausend Rial und dieser kostet zweitausend Rial. Welchen möchtest du?
P.: Ich nehme den für eintausendfünfhundert Rial.
V.: Was für eine Farbe?
P.: Einen blauen.
Oh, ich brauche auch noch drei Ansichtskarten und Briefmarken.
V.: Ansichtskarten? Wir bringen morgen neue. Briefmarken haben wir leider keine mehr. Aber die Post ist gleich nebenan. Da kannst du welche kaufen.



3. An der Bushaltestelle

A: Bitte, welche Linie geht zum Hauptbahnhof?

B: Das weiß ich nicht, ich bin nicht von hier.

A: Wissen Sie, welcher Bus zum Hauptbahnhof fährt?

C: Linie sechs.

A: Vielen Dank! Und wann geht der?

C: In zehn Minuten.

Übungen

1. Hast du einen  ?

Nein, ich habe ... .

Möchtest du einen?

Nein, ich brauche ... .

2. Und du, hast du einen?

Ja, ich habe ... .

Was für einen hast du denn, einen roten?

Nein, ich habe einen ... .

3. Haben Sie eine Kamera?

Nein, ich habe ..., aber meine Frau hat ... .

Was für eine hat sie denn, eine kleine?

Nein, sie hat eine ganz ... .

4. Gibt es hier einen Hauptbahnhof?

Ja, aber nur einen ganz ... .

5. Gibt es hier ein Restaurant?
Ja, ein sehr ... .

6. diesen - den
Kennen Sie diesen Herrn?
Ja, den kenne ich.
Nein, den ... ...

7. diese - die
Kennen Sie diese Frau?
Ja, ...
Nein, ...

8. dieses - das
Kennen Sie ... Restaurant?
Ja, ... kenne ich.
Nein, ...

Grammatik 5B

Singular

Maskulin		
Nom.	Der Bus fährt zum Hauptbahnhof.	Welcher? Dieser hier.
Akk.	Den Bus nehme ich.	Welchen? Diesen hier.

Neutral		
Nom.	Das Taxi fährt auch zum Hauptbahnhof.	Welches? Dieses hier.
Akk.		Nehmen Sie dieses.

Feminin		
Nom.	Die Linie geht zum Rathaus.	Welche denn? Diese hier.
Akk.		Nehmen Sie diese.

Plural		
Nom.		Welche denn? Diese hier.
	Die Ansichtskarten sind teuer.	
Akk.		Nehmen Sie diese.

b) ein..., was für ein...?, was für welch...?

Singular

Maskulin		
Nom.	Hier ist ein Ball.	Was für einer ist das? Ein Fußball.
Akk.	Einen Ball, bitte!	Was für einen möchten Sie? Einen Fußball.

Plural		
Nom.		Was für welche sind das?
	Bitte, zwei Bälle!	
Akk.		Was für welche brauchen Sie?

c) Das Adjektiv

Singular

Maskulin			
	Ist der	Stadtplan neu?	Der ist neu.
Nom.	Was für einer	ist das?	Ein neuer.
Akk.	Was für einen	möchten Sie?	Einen neuen.

Neutral

	Ist das	Heft gut?	Das ist gut.
Nom.		ist das?	
	Was für eins.		Ein gutes.
Akk.		nehmen wir?	

Feminin

	Ist die	Karte billig?	Die ist billig.
Nom.		ist das?	
	Was für eine		Eine billige.
Akk.		nehmen wir?	

Plural

	Sind die	Stadtpläne neu?	Die sind neu.
Nom.		sind das?	
	Was für welche		Neue.
Akk.		nehmen wir?	

Dieser Stadtplan ist neu.	Das ist ein neuer Stadtplan.
Dieses Heft ist gut.	Das ist ein gutes Heft.

Übungen

1. Bitte, welcher Bus fährt zum Hauptbahnhof?
Dieser hier fährt zum Hauptbahnhof.
(Nehmen Sie diesen; der fährt zum Hauptbahnhof.)

a)Bitte, welcher Bus fährt nach Babol?

b) Bitte, welcher Zug fährt nach Frankfurt?

c) Bitte, welcher Bus fährt zum Rathaus?

d) Bitte, welcher Zug fährt nach Wien?
e) Bitte, welcher Bus fährt nach München?
f) Bitte, welcher Bus fährt zum Stadion?

2. Bitte, welcher Bahn geht nach Zürich?
Nach Zürich? Ich glaube, diese hier.
(Nehmen Sie diese; die geht nach Zürich.)
a) Bitte, welche Bahn geht nach Wien?
b) Bitte, welche Linie geht zum Bahnhof?
c) Bitte, welche Bahn geht zum Krankenhaus?
d) Bitte, welche Linie geht zum Sportplatz?

3. Rufen Sie das Restaurant an!
Welches Restaurant denn? Hier gibt es keins!
a) Rufen Sie das Hotel an!
b) Rufen Sie das Krankenhaus an!
c) Rufen Sie das Sportgeschäft an!
d) Rufen Sie das Museum an!

4. Ich brauche einen Kugelschreiber.
Wir haben viele Kugelschreiber. Was für einen wollen Sie denn?
a) Ich brauche einen Stadtplan.
b) Ich möchte einen Ball.
c) Ich brauche ein Heft.
d) Ich möchte einen Ansichtskarte.
e) Ich brauche eine Briefmarke.
f) Ich möchte einen Bleistift.

5. Hat Ihr Freund einen Ball?
Er hat einen, aber ich weiß nicht, was für einen.
a) Hat Herr Meyer einen Wagen?
b) Hat Herr Alawi ein Geschäft?
c) Hat das Hotel ein Restaurant?
d) Hat die Stadt einen Hauptbahnhof?
e) Hat Farid eine Karte?

6. Kennen Sie diesen Stadtplan?
Nein, der ist ganz neu; den kenne ich noch nicht.
a) Kennen Sie diesen Wagen?
b) Kennen Sie dieses Restaurant?
c) Kennst du dieses Geschäft?
d) Kennen Sie dieses Hotel?
e) Kennen Sie dieses Museum?
f) Kennst du diesen Verkäufer?

7. Haben Sie einen Kugelschreiber?
Ja, aber der ist nicht neu.
(Ja, aber keinen neuen.)
Haben Sie keinen neuen?
a) Hast du ein Heft?
b) Haben Sie einen Wagen?
c) Haben Sie einen Stadtplan?
d) Hast du ein Fünfeurostück?
e) Haben Sie einen Zugplan?

8. Gibt es hier ein Sportgeschäft?
Hier gibt es viele Sportgeschäfte.
a) Gibt es hier ein Schreibwarengeschäft?
b) Gibt es hier ein Museum?
c) Gibt es hier eine Schule?
d) Gibt es hier ein Hotel?
e) Gibt es hier ein Telefon?
f) Gibt es hier einen Bus?
g) Gibt es hier einen Kugelschreiber?
h) Gibt es hier ein Restaurant?

9. Der Radiergummi ist aber billig!
Wir haben nur billige Radiergummis!
a) Das Restaurant ist aber gut!
b) Das Hotel ist aber klein!
c) Die Ansichtskarte ist aber schön!

d) Der Stadtplan ist aber neu!
e) Das Stadion ist aber groß!
f) Der Ball ist aber gut!

10. -?-
a) Dieses Restaurant ist sehr gut! - Welch ...?
b) Welchen Ball nimmst du? - Dies ... .
c) Geht dieser Bus zum Rathaus? - Nein, dies... nicht!
d) Welche Ansichtskarten nehmen Sie? - Dies... .
e) Diese Wurst möchte ich. - Welch ...?
f) Dieses Taxi ist frei. - Welch ...?
g) Hier ist keine Telefonzelle frei! - Doch, dies ... hier!

11. -?-
a) Was für ein Stadtplan ist das? - Ein klein ... .
b) Was für eine Uhr möchten Sie? - Eine billig ... .
c) Was für einen Kugelschreiber nimmst du? - Einen schwarz ... .
d) Was für Stadtpläne haben Sie? - Groß... und klein ... .
e) Was für ein Hotel ist das? - Ein groß ... .
f) Was für einen Tee möchten Sie, einen groß ... oder einen klein...?

Pläne 5C

1. Der Stadtplan
a) Welcher Bus fährt zum Hauptbahnhof?
zum Rathaus?
zum Asadiplatz?
Der Bus Nummer ... fährt zum ... .

b) Ich möchte zum Museum.
zum Ferdossiplatz.
zum Krankenhaus.
Nehmen Sie Bus Nummer ... .

c) Du willst zum Rathaus. Welche Linie nimmst du?

zur Post.

zur Schule.

Ich nehme Linie ... .

2. Der Zugplan

Abfahrt	Ankunft
Teheran (12:20 Uhr)	Ahwas (23:50 Uhr)
Köln (9:10 Uhr)	Bonn (10:40 Uhr)
Zanjan (15:25 Uhr)	Tabriz (19:50 Uhr)

a) Herr Mohammadi will nach ... .

Welchen Zug nimmt er?

Er nimmt den um... Uhr.

b) Welcher Zug geht nach ...?

Dieser zug. Er geht um ...... nach ....

3. Der Stundenplan

Stundenplan		Name: Mina Danesch			Klasse: 1d	
Zeit	Samstag	Sonntag	Montag	Dienstag	Mittwoch	Donnerstag
8^{00}–8^{45}	Deutsch	Religion	Mathematik	Deutsch	Chemie	Deutsch
8^{50}–9^{35}	Chemie	Mathematik	Deutsch	Religion	Mathematik	Sachkunde
9^{55}–10^{40}	Mathematik	Deutsch	Sachkunde	Sport	Geschichte	Kunsterziehung
10^{45}–11^{30}	Sachkunde	Geschichte	Sport	Mathematik	Sport	Religion

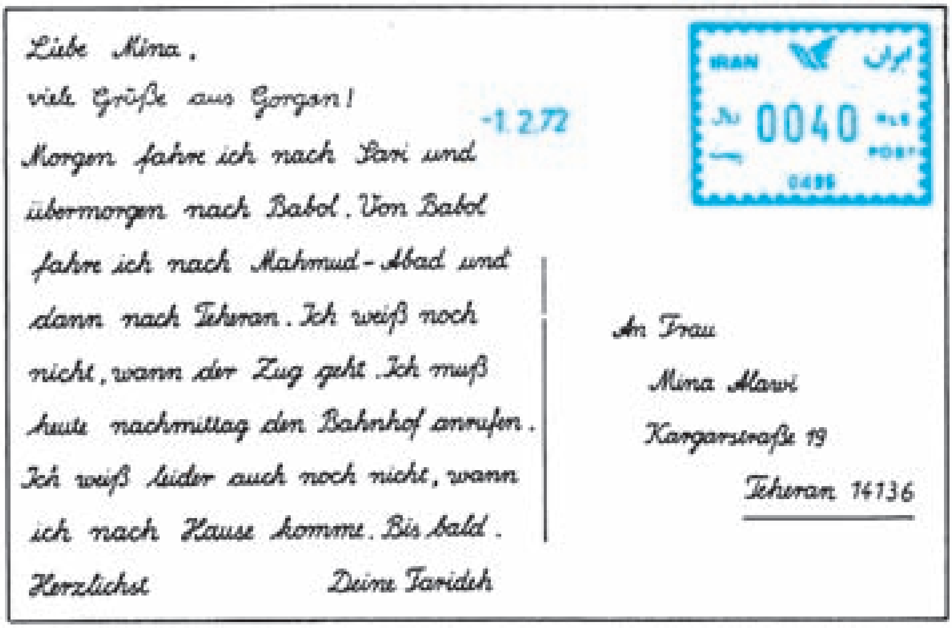
a) Wann hat Mina Mathematik?

Am ... und am ... .

b) Um wieviel Uhr hat sie am Samstag Deutsch?

Um ... .

1. Farideh schreibt eine Ansichtskarte


Liebe Mina,
viele Grüße aus Gorgan!
Morgen fahre ich nach Sari und
übermorgen nach Babol. Von Babol
fahre ich nach Mahmud-Abad und
dann nach Teheran. Ich weiß noch
nicht, wann der Zug geht. Ich muß
heute nachmittag den Bahnhof anrufen.
Ich weiß leider auch noch nicht, wann
ich nach Hause komme. Bis bald.
Herzlichst Deine Farideh

An Frau
Mina Alawi
Kargarstraße 19
Teheran 14136

2. Wieviel Geld braucht Parwin?

1	Radiergummi	100,-
1	Bleistift	50,-
1	Kugelschreiber	300,-
4	Ansichtskarten	400,-
1	Heft	200,-

Parwin braucht .... Tuman.

Test

a) Wissen Sie,.... Bus zum Stadion fährt?
b) Bitte,... Linie fährt zum Asadiplatz?
c) ... Stadtplan nehmen Sie, den großen?
d) ... ... Ball möchtest du, einen großen?
e) ... Restaurant rufen Sie an, das neue?
f) Ich brauche zwei Filme. - ... ...?
g) Ich möchte einen Tee. - ... ...?
   Einen großen.
h) ... ... Geschäft ist das?
i) ... ... Kugelschreiber brauchst du?
j) Haben Sie Briefmarken? - ... ... brauchen Sie denn?
k) Das ist kein neu ... Wagen.

6 A

Ferien

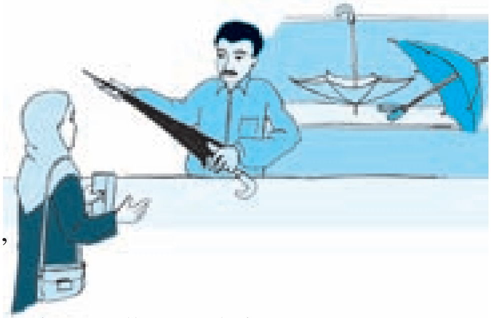
1. Ferien in Rascht

Farideh und Kamal aus Esfahan machen Ferien in Rascht. Dort wohnt ihr Onkel. Ihre Eltern kommen auch. Sie machen Urlaub. Beim Frühstück sagt der Onkel: "Heute besichtigen wir den Fischmarkt von Rascht und dann den Hafen von Ansali."
"Soll ich meinen Schirm mitnehmen?" fragt Frau Karimi.
"Warum denn? Es regnet doch nicht?"
"Wie gehen wir denn? Nehmen wir deinen Wagen?" fragt Kamal seinen Onkel.
"Nein. Zuerst gehen wir zu Fuß zum Fischmarkt. Der ist gleich nebenan. Dann fahren wir mit dem Bus nach Ansali."

2. Es regnet



"Bitte, gibt es hier ein Schirmgeschäft?"
"Ja, geradeaus bis zur Verkehrsampel und dann links."
"Ist das weit?"
"Nein, höchstens fünf Minuten."
"Nehmen wir ein Taxi?"
"Ja, aber ich sehe keins."
"Dahinten kommt eins."
"Richtig. Und besetzt ist es auch."



3. Im Schirmgeschäft

“Wir möchten einen Schirm, bitte!”
“Einen Herrenschirm oder einen Damenschirm?”
“Das ist egal. Einen großen.”
Die Verkäuferin holt einen schwarzen, einen roten, einen gelben und einen grünen Schirm.
“Welchen möchten Sie?” fragt sie.
“Diesen nehmen wir”, sagt Herr Tawana, “den schwarzen. Der ist nicht schön, aber praktisch. Wieviel kostet der?”
“Fünftausend Tuman, bitte!”

4. Im Hafen

Nachmittags im Hafen scheint die Sonne.
F: “Wo ist denn meine Sonnenbrille?” fragt Farideh.
K: “Weiß ich nicht”, sagt Kamal, “wahrscheinlich zu Hause.”
F: “Mutti, ich möchte eine Sonnenbrille!”
M: “Nein, mein Kind, wir kaufen jetzt keine. Es regnet doch gleich wieder.”
V: “Aber wir kaufen einen Farbfilm für deine Kamera.”
F: “Wie schön, Vati. Dann machen wir viele Aufnahmen!”



Übungen

1. Haben Sie Regenschirme?
Was für .... möchten Sie denn?
Einen schwarz ....
Nehmen Sie dies .... hier.
Stadtplan, Kugelschreiber - praktisch, rot

2. Haben Sie Ansichtskarten?
Was für .... möchten Sie denn?
Eine schön ....
Nehmen Sie dies .... hier.
Kameras, Sonnenbrillen - klein, grün

3. Wo möchten Sie Urlaub machen?
Wo möchtest du Ferien machen?
Ich möchte in .... Urlaub machen.
Ferien

4. Nehmen Sie .... Taxi? (Bahn, Bus)
Nimmst du .... Taxi?
Natürlich, nehme ich ....

5. Gibt es hier ein Telefon?
Nein, ich sehe ....
Bus, Bahn, Moschee, Fotogeschäft, Taxi

6. Welch .... Kugelschreiber nimmst du, den roten oder den grünen?
Ich nehme gar kein ....
Stadtplan, Kamera - groß, klein

7. Soll ich meinen Regenschirm mitnehmen?
Den brauchst du nicht!
Kugelschreiber, Ball, Stadtplan, Kamera, Sonnenbrille

8. Mein Stadtplan ist im Hotel.
Dann kaufen Sie doch einen!
Kugelschreiber, Regenschirm, Kamera, Brille

a) Wortbildung

(1)			
das Telefon	+	die Nummer	die Telefonnummer
das Telefon	+	das Gespräch	das Telefongespräch
der Bus	+	die Linie	die Buslinie
der Bus	+	die Haltestelle	die Bushaltestelle
das Foto	+	das Geschäft	das Fotogeschäft
der Schirm	+	das Geschäft	das Schirmgeschäft
die Schreibwaren	+	das Geschäft	das Schreibwarengeschäft
(2)			
die Farbe	+	der Film	der Farbfilm
(3)			
der Mittag	+	die Pause	die Mittagspause
die Ansicht	+	die Karte	die Ansichtskarte
der Verkehr	+	die Ampel	die Verkehrsampel
(4)			
der Herr (Herren)	+	der Schirm	der Herrenschirm
die Dame (Damen)	+	der Schirm	der Damenschirm

b) Das Adjektiv und der unbestimmte und bestimmte Artikel

Ist	der	Schirm groß?	Der ist	groß.
Was für	einer	ist das?	Ein	großer.
Was für	einen	möchtest du? möchten Sie?	Einen	großen.
Welchen		möchtest du? nehmen Sie?	Den	großen.
Ist	das	Taxi schwarz?	Das ist	schwarz.
Was für eins		ist das?	Ein	schwarzes.
Welches		nehmen wir?	Das	schwarze.
Ist	die	Kamera praktisch?	Die ist	praktisch.
Was für	eine	ist das?	Eine	praktische
	Welche	kaufen wir?	Die	praktische.

Sind	die	Stadtpläne neu?	Die sind	neu.
Was für	welche	möchten Sie denn?		Neue.
	Welche	nehmen wir?	Die	neuen.

(c) es

(1)

Dort kommt ein Taxi.	Ja, aber es ist besetzt.
Hast du das Heft?	Ich brauche es.

(2)

Gibt es hier ein gutes Restaurant?	
Wie spät ist es?	Es ist acht Uhr.

Übungen

1. Was kann man hier besichtigen, die Moschee?
Ja, die kann man besichtigen.
(Ja, die können Sie besichtigen.)
(Ja, die besichtigen wir morgen.)
(Ja, die wollen wir morgen besichtigen.)

a) der Fischmarkt
b) die Altstadt
c) die Amirigasse
d) das Museum

2. Soll ich meinen Schirm mitnehmen?
Den Schirm? Nein, den brauchen wir nicht.

a) meine Sonnenbrille
b) mein Geld
c) meine Kamera
d) meine Uhr
e) meinen Stadtplan

3. Gehen wir zu Fuß zum Fischmarkt?
Ja, zum Fischmarkt gehen wir zu Fuß.
Ja, zum Fischmarkt können wir zu Fuß gehen.
Nein, zum Fischmarkt gehe ich nicht zu Fuß!

a) zum Restaurant
b) zum Bahnhof
c) zum Hotel
d) zur Post
e) zur Altstadt
f) zur Amirigasse

4. Siehst du das Taxi?
Wo denn? Ich sehe keins!

a) die Verkehrsampel
b) das Schirmgeschäft
c) das Hotel
d) der Bus

5. Soll ich meinen Schirm holen?
Nein, den hole ich!

a) meine Kamera
b) meine Sonnenbrille
c) meinen Kugelschreiber
d) meinen Wagen
e) mein Geld

6. Ich möchte einen schwarzen Schirm kaufen.
Tut mir leid, schwarze Schirme haben wir nicht.

a) einen neuen Stadtplan
b) einen großen Ball
c) eine kleine Kamera
d) ein rotes Auto

7. Welchen Schirm möchten Sie, den roten?
Wie viel kostet denn der rote?
(Wie viel kostet der denn?)

a) die kleine Kamera
b) die grüne Sonnenbrille
c) der schwarze Wagen
d) die große Ansichtskarte

8. Herr Karimi fährt nach Rascht.
Was will er denn da? Macht er da Urlaub?
Ja, der macht immer in Rascht Urlaub.
a) Frau Adib fährt nach Ansali.
b) Herr Schulz fliegt nach Wien.
c) Frau Tawana fährt nach Wien.
d) Herr Scharifi fliegt nach Hamburg.

9. Kauft Herr Adib einen neuen Wagen?
Warum denn? Er braucht doch keinen.
Er hat doch einen neuen!
a) Kauft Frau Karimi eine neue Sonnenbrille?
b) Kauft Ahmad einen neuen Kugelschreiber?
c) Kauft Frau Adib einen neuen Schirm?
d) Kauft Herr Scharifi ein neues Auto?
e) Kaufen Herr und Frau Danesch einen Stadtplan?

10. Kaufen Sie einen neuen Wagen?
Warum denn? Dieser ist doch neu!
Ja, diesen habe ich schon zehn Jahre.
a) eine neue Sonnenbrille
b) einen neuen Schirm
c) eine neue Uhr
d) einen neuen Stadtplan
e) ein neues Telefon

11. Ergänzen Sie die Lücken.
a) Was für ein ... Kamera hast du?
b) Ich habe nur ein ... Hundertmarkschein.
c) Geben Sie mir ein ... Heft.
d) Nehmen Sie ein ... Bus!

e) Soll ich ein ...... Schirm mitnehmen?

12. nimmt - schreibt - kommt - kennt - heißt - kauft

a) Der Tourist ...... einen Stadtplan.
b) Frau Neumann ...... ein Taxi.
c) Der Bus ...... in zehn Minuten.
d) Wie ...... das Hotel in der Beethovenstraße?
e) Mina ...... einen Brief nach Köln.
f) Herr Schmidt ...... den Ober.

13. ein ...... —— klein ......

a) Was für ...... Haus haben Sie? —— ...... ganz klein ....
b) Was für ...... Schirm möchtest du? - ...... ganz groß ....
c) Was für ...... Sonnenbrille möchtest du?
- ...... ganz groß...... .
d) Was für ...... Auto haben Sie? - ...... schwarz ....
e) Was für ...... Ball möchtest du? - ...... groß ....
f) Was für ...... Wagen ist das? - ...... ganz klein ....
g) Was für ...... Radiergummi brauchst du? - ...... ganz groß...... .

14. das - es - was

a) Hier ist ein Taxi. Aber ...... ist besetzt.
b) Möchten Sie einen Herren - oder einen Damenschirm? - ...... ist egal.
c) Wo ist denn mein Kugelschreiber? - ...... weiß ich nicht.
d) Gibt ...... hier Stadtpläne?
e) Gehen wir ins Hotel. ...... regnet gleich wieder!
f) Brauchen Sie sonst noch ......?
g) Fährt dieser Bus zum Rathaus? - Ich weiß ...... nicht.
h) Wissen Sie wie spät ...... ist?
i) Mein Name ist Mohammad. - Kannst du ...... buchstabieren?

Das Alphabet - Die Buchstaben - Die Umlaute 6C

1. Können Sie das buchstabieren?

A: Hallo, ich möchte ein Telefongespräch nach Haschtpar.
B: Wie heißt die Stadt?
A: Haschtpar.
B: Und wo ist das?
A: In Nordiran.
B: Können Sie den Namen buchstabieren?
A: Natürlich!
Kannst du das auch buchstabieren?

2. Wann? (Um wie viel Uhr ...?)



Es ist acht Uhr.
Frau Adib geht zum Bahnhof.
Wann geht sie zum Bahnhof?
-Um acht (Uhr).
-Um acht (Uhr) geht sie zum Bahnhof.



Es ist Viertel nach acht.
Herr Mahdawi nimmt ein Taxi.



Es ist neun Uhr.
Mohammad schreibt einen Brief.



Es ist zwölf Uhr.
Herr Danesch hat Mittagspause.
Er geht ins Restaurant.

Es ist drei Uhr.
Frau Mahdawi nimmt einen Bus.



Es ist vier Uhr.
Herr Adib geht nach Hause.



3. Wo ist denn ...?

a) Wo ist denn meine Sonnenbrille?
 - Ich weiß nicht, wo die ist.
b) Wo ist denn mein Schirm?
c) Wo ist denn mein Ball?
d) Wo ist denn mein Stadtplan?
e) Wo ist denn mein Kugelschreiber?
f) Wo ist denn mein Heft?
g) Wo ist denn mein Hunderteuroschein?

Wer sucht, der findet.

جوینده؛ یابنده بُوَد.

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen!

Ich möchte einen Stadtplan.	Was für einen möchten Sie denn?
Haben Sie Stadtpläne?	Ja, was für einen möchten Sie denn?
Wieviel kostet der?	(Der kostet) ... Euro ...
Ich nehme den für ... Euro.	
Geben Sie mir den für... Euro.	
Geben Sie mir gleich zwei.	Bitte sehr!
	Brauchen Sie sonst noch etwas?
Nein, danke sehr!	
Können Sie wechseln?	Ja, das geht.
Ich möchte einen Tisch reservieren. /	Bitte einen Tisch für drei Personen.
	für 13 Uhr.
Möchten Sie etwas trinken?	Ja, bitte. / Nein danke!
Möchten Sie einen Kaffee?	
Trinken Sie einen Kaffee?	

Entschuldigung, welcher Bus fährt zum Rathaus?	
welche Bahn fährt nach Bonn?	
Wann / Um wieviel Uhr fährt der Bus?	Um...
	In zehn Minuten.
Ist das weit?	Höchstens fünf Minuten.

Test

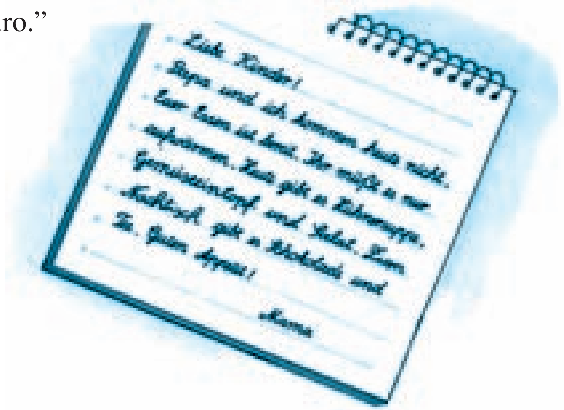
Nehmen wir ... Taxi? - Ja, aber ich sehe ... . Dahinten kommt ... . - Richtig! Aber ... ist besetzt. Dann ... wir zu Fuß. - Nehmen wir ... Schirm mit? Nein, wir brauchen ... . - ... regnet ja nicht. - Bitte, hier sind zwei Schirme. ... möchten Sie? - Wir nehmen ... schwarzen. - Wieviel kostet ...? - Nein, danke! Wir kaufen jetzt ... Sonnenbrille. - Wo ist denn ... Kamera? sagt Herr Karimi. Vielleicht ... Hause, sagt Frau Karimi.

7 A

Was gibt's ...?

1. Was gibt's heute zum Mittagessen?

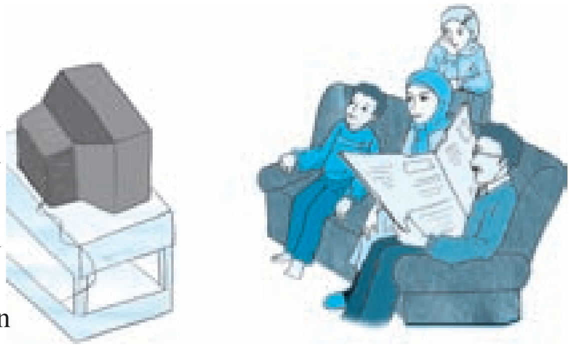
Mittags kommen Hossein und Farid müde nach Hause zurück.
"Ich habe einen Bärenhunger!" ruft Farid.
"Was gibt's heute zum essen?" fragt Hossein.
"Das weiß ich auch nicht. Wir müssen Mutter fragen."
Aber ihre Mutter ist nicht zu Hause.
"Sieh mal Farid, im Flur hängt ein Zettel!
Vielleicht ist es eine Nachricht von Mama?"
"Was ist denn los?"
"Keine Ahnung. Da müssen wir den Zettel lesen."
"Ach ja, heute ist doch Mittwoch. Da geht Mama zu Tante Mahin zum Mittagessen und Vater bleibt im Büro."



2. Woher soll ich das wissen?

△ -“Magst du Hühnersuppe?” fragt Farid.
○ -“Nein, die mag ich nicht!” antwortet Hossein.
△ -“Willst du nicht zuerst probieren?”
○ - “Nein. Du kannst auch mein Brot essen. Aber die Schokolade esse ich bestimmt!”
△ - weißt du, wann der Vater kommt?
○ - “Woher soll ich das wissen?”

3. Was gibt’s im Fernsehen?



Das Abendessen ist vorbei. Herr Dawudi stellt den Fernseher an. Er will die Nachrichten sehen und natürlich den Sport.
Frau Dawudi: “Mußt du denn unbedingt den Sport sehen?”
Herr Dawudi: “Natürlich! Heute ist ein wichtiges Fußballspiel.”
Aber es gibt keinen Sport, es gibt eine Reportage über das Ausland.
“Nein”, sagt Frau Dawudi “das will ich nicht sehen. Gibt es denn keinen Film?”
Herr Dawudi holt die Zeitung und sieht im Programm nach. “Nein”, sagt er, “dienstags nicht. Aber die Reportage ist über Afrika. Die ist bestimmt interessant.”

Übungen

1. Magst du Schnitzel?
Nein, das mag ich nicht.
Ja, das mag ich gern.
Ja, das esse ich gern.

a) Hühnersuppe
b) Gemüseeintopf
c) Salat
d) Gemüse
e) Omlett
f) Kalbsbraten
g) Rinderbraten
h) Soße

i) Fisch

j) Gemüsesuppe

△ **2.** Ich möchte kein Heft.
Kann ich einen Kugelschreiber haben?

○ - Ja, den kannst du haben.

a) Gurke - Tomate

b) Käse - Wurst

c) Cola - Saft

d) Schirm - Sonnenbrille

e) Schokolade - Brot

f) Zeitung - Ball

△ **3.** Möchtest du einen Kaffee?

○ Danke, ich möchte jetzt keinen.

a) Tee

b) Mineralwasser

c) Saft

d) Salat

e) Omlett

f) Schnitzel

△ **4.** Kennst du den Herrn?

○ Ja, aber nicht gut.
Haus, Schule, Mann, Museum, Frau, Kind

5. Trinken Sie Kaffee?
Ja, aber nur morgens.
Ja, aber nicht abends.
Tee, Mineralwasser, Limonade, Milch, Saft

Grammatik **7B**

a) Das Verb - Präsens

(1) Die Personen

Sie/sie/wir	ich	er/sie/es	du	ihr
komm<u>en</u>	komm<u>e</u>	komm<u>t</u>	komm<u>st</u>	komm<u>t</u>

(2) Die Modalverben und “wissen”

Sie/sie/wir	ich/er/sie/es	du	ihr
mögen	mag	magst	mögt
möchten	möchte	möchtest	möchtet
können	kann	kannst	könnt
müssen	muß	mußt	müßt
sollen	soll	sollst	sollt
wollen	will	willst	wollt
wissen	weiß	weißt	wißt

können

1. Können Sie zehn Euro wechseln?
Kannst du mir helfen?

2. Ich kann kaum noch laufen. Ich brauche einen Ruhetag.

wollen - möchten - mögen

Er stellt den Fernseher an. Er will die Nachrichten sehen.
Wohin wollen Sie fliegen? Ich will nach Schiras fliegen.
Wohin wollen Sie (fahren)? Ich will nach Esfahan (fahren).

Ich möchte ein Cola. (Bitte, bringen Sie mir ein Cola!)
Ich möchte nach Rom telefonieren. (Bitte, ein Gespräch nach Rom!)

Ich mag keinen Fisch. (= Ich esse keinen Fisch.)

müssen - sollen

Es ist schon fünf Uhr. Ich muß noch Herrn Danesch anrufen.
Er muß um acht im Büro sein. Er hat eine Verabredung.

Soll ich meinen Schirm mitnehmen? (Willst du das?)

(3) haben - sein

Sie/sie/wir	ich	er/sie/es	du	ihr
haben	habe	hat	hast	habt
sind	bin	ist	bist	seid

(b) Wortstellung - Die Satzklammer

(1) Modalverb + Infinitiv

Ich	fliege	heute um sechs nach Maschhad	
	möchte		fliegen.
Er	telefoniert	morgen abend nach Bonn	
	will		telefonieren.

(2) Trennbare Verben

Ich	nehme	die Kamera	mit.
	muß		mitnehmen.

an/rufen	Sie ruft das Hotel an.
an/stellen	Stell mal bitte den Fernseher an!
ein/kaufen	Sie kauft immer am Wanakplatz ein.
fern/sehen	Sehen Sie oft fern?
hin/gehen	Wo gehst du hin?
mit/nehmen	Nehmen Sie einen Schirm mit!
nach/sehen	Sieh mal im Programm nach!
zurück/kommen	Kommst du bald zurück?

Übungen

1. Was gibt’s zu essen?
(Weißt du, was es zu essen gibt?)
(Wissen Sie, was es zu essen gibt?)
Ich weiß nicht, was es zu essen gibt.

a) Was gibt’s zu trinken?

b) Was gibt's zu sehen?
c) Was gibt's zu lesen?
d) Was gibt's zu kaufen?

2. Heute ist Dienstag, nicht? Dann gibt's Schnitzel.
Natürlich. Dienstags gibt's immer Schnitzel.
a) Heute ist Mittwoch, nicht? (Kalbsbraten)
b) Heute ist Donnerstag, nicht? (Gemüsesuppe)
c) Heute ist Freitag, nicht? (Fisch)
d) Heute ist Samstag, nicht? (Hühnersuppe)
e) Heute ist Sonntag, nicht? (Rinderbraten)
f) Heute ist Montag, nicht? (Salat)

3. Mögen Sie Omlett?
(Magst du Omlett?)
Ja, natürlich, Omlett mag ich gern. Ich esse immer Omlett.
a) Brot
b) Käse
c) Eier
d) Gemüse
e) Fleisch
f) Suppe
g) Butter
h) Marmelade
i) Honig

4. Den Käse mögen Sie nicht?
(Den Käse magst du nicht?)
Nein, danke! Ich mag keinen Käse.
a) das Brot
b) die Butter
c) die Marmelade
d) der Honig
e) die Wurst
f) der Kartoffelsalat
g) die Eier

5. Fisch haben wir nicht, aber das Schnitzel ist sehr schön.
Dann bringen Sie mir bitte ein Schnitzel!
a) Schnitzel haben wir nicht, aber der Kalbsbraten ist sehr schön.
b) Kalbsbraten haben wir nicht, aber Omlett ist sehr schön.
c) Omlett haben wir nicht, aber die Gemüsesuppe ist sehr schön.
d) Gemüsesuppe haben wir nicht, aber der Kartoffelsalat ist sehr schön.
e) Kartoffelsalat haben wir nicht, aber der Rinderbraten ist sehr schön.

6. Die Gemüsesuppe ist mag ich gern.
Dann probiere ich die mal.
(Dann probieren wir die mal.)
a) der Schinken
b) das Omlett
c) der Fisch
d) der Kartoffelsalat

7. Wollen Sie den Sport sehen?
(Willst du den Sport sehen?)
Natürlich will ich den sehen. Den sehe ich doch immer!
Wollen Sie den denn nicht sehen?
a) Nachrichten
b) das Fußballspiel
c) die Reportage
d) der Film

8. Stellen Sie das Radio an!
- Gut, ich stelle es gleich an.
a) Herr Amiri - anrufen
b) der Regenschirm - mitnehmen
c) der Stundenplan - nachsehen
d) an Bahnhof - einkaufen
e) um 9 Uhr - zurückkommen

1. Was machen wir morgen?

(Zwei Arbeiter vor der Werkstatt)

A1: Morgen ist unser Ruhetag.
Da bleiben wir zu Hause.

A2: Und ich mache morgen einen Ausflug. Ich möchte eine Burg besichtigen und meine Familie kommt mit.
Kommt doch auch mit!



A1: Ach, muß das sein?
Ich kann kaum noch laufen.
Eigentlich will ich ein neues Motorrad kaufen.

A2: Hast du denn zuviel Geld?

A1: Ganz im Gegenteil.
Aber dieses hier ist zu alt.

A2: Also gut. Wir fahren zusammen zur Burg und reparieren nachmittags dein Motorrad.

Was meinst du?

A1: Einverstanden!

Dann spare ich mein Geld und meine Familie macht einen Ausflug.

2. Der Ton macht die Musik.

- Hören Sie die beiden Dialoge a und b!
- Wie finden Sie den "Ton" von Vater und Sohn im ersten und im zweiten Dialog?

a) ○ Es ist acht Uhr.
Bitte geh'ins Bett.
□ Ich bin aber noch nicht müde.
○ Du kannst ja im Bett noch lesen.
□ Also gut. Gute Nacht!



b) ○ Geh' endlich ins Bett!
□ Ich will aber nicht!
○ Kein Wort mehr!
□ Ich gehe ja schon.



1. Konversation im Schulhof

Sahra: Was lest ihr eigentlich?
Mariam: Ich lese mehr Sachbücher.
Farsaneh: Literarische werke lese ich gern, zum Beispiel Gedichte und Romane.
Und du, Sahra? Was liest du?
Sahra: Ich liebe Geschichtsbücher.
Und was macht ihr freitags?
Farsaneh: Ganz einfach. Fernsehen und Radio hören
Und was machst du, Mariam?
Mariam: Manchmal sehe ich das Kinderprogramm. Es ist lustig.
was machst du, Fatemeh?
Fatemeh: Ich gehe zum Freitagsgebet oder besuche meine Verwandte.
Farsaneh: Es klingelt! Wir müssen in die Klasse.
Kommt schnell!

2. Ein schwieriger Gast



□ Haben Sie Käse?
○ Ja.
□ Dann bitte ein Glas Käse.
○ Ein Glas Käse?
□ Ja.
○ Sie meinen: ein Stück Käse?
□ Nein, ich meine ein Glas Käse.
○ Entschuldigung, ein Glas Käse haben wir nicht.

□ Was haben Sie denn?

○ Kartoffelsalat, Würstchen, Omlett ...

□ Gut, dann bitte ein Stük Kartoffelsalat.

○ Ein Stück Kartoffelsalat?

□ Ja.

○ Sie meinen: einen Teller Kartoffelsalat?

□ Nein, ich meine ein Stück Kartoffelsalat.

○ Tut mir leid, ein Stück Kartoffelsalat haben wir nicht.

□ Dann nicht. - Haben Sie was zu trinken?

○ Cola, Limonade, Apfelsaft

□ Gut. Dann bitte einen Teller Cola.

○ Einen Teller Cola?

□ Ja.

○ Sie meinen: ein Glas Cola?

□ Nein, ich meine einen Teller Cola.

○ Verzeihung, einen Teller Cola haben wir nicht.

□ Was haben Sie denn überhaupt?

○ Nun, wir haben zum Beispiel Käse, Omlett ...

□ Gut, dann bitte ein Glas Käse ...

....

Test

Nach ... Abendessen ... Herr Ahmadi den Fernseher an. Er ... die Nachrichten sehen und ... Sport. Aber es gibt heute ... Sport, es gibt ... Reportage über Amerika. Nein, sagt Frau Ahmadi, das ... ich nicht sehen. Gibt es denn ... Film? Aber es gibt auch ... Film. Frau Ahmadi ... den Portier. ... Sie Zeitung? Der Portier hat auch Bücher. Hier sagt sie, das ... du lesen! ... ... ein Buch ist das denn? fragt Herr Danesch ... Roman.

Das Wörterverzeichnis

A

der Abend, – e (7A4)	عصر، شب
das Abendessen, – (7A4)	شام
aber (5A1)	امّا
die Abfahrt (5C2)	حرکت، عزیمت
Ach so! (1C)	آهان!
das Adjektiv, – e (6B)	صفت
das Adverb, – ien (7B)	قید
Afrika (7A4)	آفریقا
die Ahnung, – en (2A1)	حدس، آگاهی، اطلاع
Ich habe keine Ahnung (2A1)	نمی‌دانم، اطلاعی ندارم
der Akkusativ, – e (3B)	حالت مفعول بی‌واسطه
alle (3A3)	همه
das Alphabet, – e (6C)	حروف الفبا
also (2A2)	پس، بنابراین
alt (7C1)	کهنه ـ قدیمی ـ پیر
Wie alt bist du?	چند سال داری؟
die Altstadt, ¨– e (6Üb.)	قسمت قدیمی شهر
die Ampel, – n (6A2)	چراغ راهنمایی
an: am Telefon (3D1)	پای تلفن
die Ankunft (5C2)	ورود
an/rufen (5D1)	تلفن کردن
die Ansichtskarte, –n (5D1)	کارت پُستال (با نمای یک شهر یا عمارت)
an/stellen (7A4)	روشن کردن (موتور یا دستگاه)
antworten (7A3)	پاسخ دادن

der Apfel, Äpfel	سیب
der Apfelsaft, ¨– e (4A2)	آب سیب، شربت سیب
der Appetit, – e (7A2)	اشتها
der Arbeiter, – (7C1)	کارگر
der Artikel, – (1B)	حرف تعریف
auch (1C)	هم ــ حتّی
die Aufnahme, –n (6A4)	عکس، عکسبرداری
auf/wärmen (7A2)	(دوباره) گرم کردن غذا
Auf Wiedersehen! (1A2)	خداحافظ! به امید دیدار!
Auf Wiederhören! (3A1)	خداحافظ! (در مکالمات تلفنی)
der Augenblick, – e (4A2)	لحظه
Einen Augenblick bitte! (4A2)	لطفاً یک لحظه صبر کنید!
aus (1A1)	از
aus Esfahan (1A1)	اهل اصفهان، اصفهانی
der Ausflug, ¨–e (4A1)	گردش
die Auskunft, ¨–e (2A1)	اطلاع، راهنمایی
das Ausland, – (7A4)	خارج از کشور
das Auto, –s (6Üb.)	اتومبیل

B

der Bäcker, – (1Üb.3)	نانوا
die Bäckerei, – en (1A2)	نانوایی
bald (5D)	به‌زودی
der Ball, ¨–e (5A1)	توپ
der Bär, – en (7A1)	خرس
Ich habe einen Bärenhunger. (7A1)	از گرسنگی دلم ضعف می‌رود.
das Basketballspiel, – e (3Üb3)	بازی بسکتبال
bei (1A)	نزد، پیش
beide (7C2)	هر دو
das Beispiel, – e (3C2)	مثال، نمونه

bereit (7A2)	آماده، حاضر
besetzt (6A2)	اِشغال، پُر
besichtigen (6A1)	بازدید کردن
bestimmt (3B)	معیّن، معلوم
Bestimmt! (7A4)	حتماً!
besuchen (7D1)	به دیدار کسی رفتن
das Bett, – en (7C2a)	تختخواب
ins Bett gehen (7C2a)	رفتن و خوابیدن
die Bildung, – en (6B)	شکل‌گیری
billig (5A1)	ارزان
bis (2A2)	تا، الی
Bis bald!	تا بعد
Bitte! (1A2)	خواهش می‌کنم! ـ بفرمایید!، لطفاً!
Bitte schön! (3A1)	بفرمایید!
Bitte sehr! (6IG.)	بفرمایید!
blau (5A2)	آبی
bleiben (7A1)	ماندن
der Bleistift, – e (5A2)	مداد
braten (7Üb.1)	سرخ کردن
brauchen (4Üb.5)	لازم/ احتیاج داشتن
der Brief, – e (4Üb.7)	نامه
die Briefmarke, – n (5A2)	تمبر پُستی
die Brille, – n (6A4)	عینک
bringen (5A2)	آوردن
das Brot, – e (1A2)	نان
das Buch, ¨– er (7D1)	کتاب
der Buchstabe, – n (6C)	حرف الفبا
buchstabieren (6C)	هجّی کردن
das Deutschland = D (4D1)	کشور آلمان
die Burg, – en (7C1)	قلعه

das Büro, –s (7A1)	دفتر کار، اداره
der Bus, – sse (2C2)	اتوبوس
die Bushaltestelle, –n (5A3)	ایستگاه اتوبوس
die Buslinie, – n (6B)	خط اتوبوسرانی
der Busplatz, ¨–e (3D2)	ترمینال مسافربری
die Butter, – (7Üb.3)	کَره

C

der Cent, – s (4B)	واحد پول خرد اتحادیه اروپا
die Chemie (5C3)	شیمی
die Cola, – s (4B5)	کوکاکولا

D

da (5A2)	آن‌جا ــ آن‌وقت
dahinten (1A4)	آن پُشت/عقب
die Dame, –n (6A3)	بانو، خانم
der Damenschirm, – e (6A3)	چتر زنانه
danken (1A2)	تشکّر کردن
dann (2A2)	سپس، پس ــ آن‌وقت
das (1B)	حرف تعریف اسامی خنثی
das (1C)	ضمیر اشاره، این‌جا : این
die Dattel, – n (4A2)	خرما
da unten (2)	آن پایین
dein (3Üb.1)	مالِ تو... تَ (ضمیر ملکی دوم شخص مفرد)
die Deklination, – en (4B)	صرف اسم و توابعش
denn (1C, 5A1)	زیرا (در جملات سؤالی برای ابراز علاقه، همدردی و انتقاد)
Deutsch (5C3)	زبان آلمانی
das Deutschland, – (4D1)	کشور آلمان
der Dialog, – e (7C2)	گفت و شنود، محاوره
der Dienstag, – e (5C3)	سه‌شنبه

dies – (5B)	این
doch (3D1)	ترجمه نمی‌شود و برای تأکید می‌آید.
der Donnerstag, – e (5C3)	پنج‌شنبه
dort (3A3)	آن‌جا
du (1A1)	تو (ضمیر شخصی فاعلی، دوم شخص مفرد)
durch (2C)	(بخش/تقسیم بر، علامت تقسیم (:/÷)، عملیات تقسیم

E

egal (6A3)	بی‌تفاوت ــ علی‌السویه
das Ei, – er (4A1)	تخم‌مرغ
eigentlich (7C)	راستی ــ در اصل، اصلاً
ein (1A2)	حرف تعریف نامعیّن ــ یک
einfach (2A2)	ساده
das Eiscáfe (4A2)	بستنی‌فروشی
einverstanden sein	موافق بودن
Einverstanden! (7C1)	موافقم!، باشد!
die Eltern (6A3)	والدین
endlich (7C2b)	بالاخره، سرانجام
die Entschuldigung, – en (2A2)	عذر، پوزش، معذرت
er (3B)	او (ضمیر شخصی فاعلی ــ سوم شخص مفرد مذکّر)
die Erziehung, – en (5C3)	تربیت
es (3B)	او (ضمیر سوم شخص مفرد برای اسامی خنثی)
essen (4A1)	خوردن
etwas (4A1,5)	چیزی، کمی، قدری
euer (7A2)	مال شما... تان (ضمیر ملکی دوم شخص جمع)
der Euro, – s (4Üb5)	واحد پول اتحادیه اروپا

F

fahren (2A3)	سواره رفتن، راندن
der Fahrer, – (2A3)	راننده
die Familie, – n (3A1)	خانواده
die Farbe, – n (5A2)	رنگ
der Farbfilm, – e (6A4)	فیلم رنگی
fehlen (3A3)	غایب بودن ــ نبودن
feminin (1B)	مؤنث
die Ferien (6A)	تعطیلات
das Fernsehen, – (7A4)	تلویزیون
fern/sehen (7B)	تلویزیون دیدن
der Fernseher, – (7A4)	دستگاه تلویزیون
der Film, – e (3Üb.4)	فیلم
finden (7C2)	پیدا کردن، یافتن
Wie finden Sie...? (7C2)	نظرتان دربارهٔ... چیست؟
der Fisch, – e (6A1)	ماهی
der Fischmarkt, ¨– e (6A1)	بازار ماهی
das Fleisch (7Üb.3)	گوشت
fliegen (3Üb.3)	پرواز کردن
der Flugschein, – e (4Üb.9)	بلیت هواپیما
der Flur, – e (7A1)	راهرو، سرسرا
die Form, – en (4B)	شکل
das Fotogeschäft, – e (6Ü5)	عکّاسی (مغازه)
fragen (6A1)	پرسیدن
die Frau, –en (1A2)	خانم، زن
frei (4A1)	این‌جا : تعطیل
der Freitag, – e (7D1)	جمعه
das Freitagsgebet, – e (7D1)	نمازجمعه
die Freizeit-en (4A)	اوقات فراغت
der Freund, – e (4A2)	دوست

das Frühstück, – e (6A1)	صبحانه
für (1A2)	برای
der Fuß, ¨–e (6A1)	پا
zu Fuß gehen (6A1)	پیاده رفتن
der Fußballplatz, ¨–e (3C4)	زمین فوتبال
das Fußballspiel, – e (3A2)	بازی فوتبال

G

ganz (2A2)	تمام، همه ـــ کامل، کاملاً
der Gast, ¨–e (7D2)	میهمان
geben (4A1)	دادن
es gibt (4A1)	یافت می‌شود، موجود است
Was gibt's im Fernsehen? (7A4)	تلویزیون چه برنامه‌ای داره؟
das Gebet, – e (7D1)	نماز
das Gebirge (4A1)	کوهستان
das Gedicht, – e (7D1)	شعر
das Gegenteil, – e (7C1)	متضاد
Ganz im Gegenteil! (7C1)	کاملاً برعکس!
gegenüber (2A3)	روبه‌رو، متقابل
gehen (2A2)	رفتن ـــ راه رفتن
Wie geht es Ihnen? (3A3)	حال شما چطور است؟
Wie geht's? (3A3)	چطوری؟ حالت چطوره؟
Ich geh' ja schon. (7C2)	دارم می‌رم دیگه!
gelb (6A3)	زرد
das Geld, – er (4C)	پول
der Geldschein, – e (4C1)	پول (اسکناس)
das Geldstück, – e (4C1)	پول (سکّه)
das Gemüse (7Üb.1)	سبزیجات
der Gemüseeintopf, ¨– e (7A2)	خوراک سبزیجات
die Gemüsesuppe, – n (7Üb.1)	سوپ سبزی

gerade (3A3)	الان، همین الان
geradeaus (1A4)	مستقیم
gern (7Üb.1)	با میل
das Geschäft, – e (5A1)	مغازه، دکان
das Geschichtsbuch, ¨–er (7D1)	کتاب تاریخ
das Gespräch, – e (2IG.)	گفت‌وگو
gesund sein (3A3)	سالم بودن
das Getränk, – e (4A2)	نوشابه
das Glas, ¨– er (7D2)	لیوان
glauben (7A3)	خیال کردن، باور داشتن
gleich (5A2)	همین الان، السّاعه
gleich nebenan (5A2)	درست همین کنار
der Gott (1C)	خدا، پروردگار
Im Namen Gottes	به‌نام خدا
das Gramm, – e (4A2)	گرم (یک‌هزارم کیلوگرم)
die Grammatik, – en (1B)	دستور زبان
groß (5A1)	بزرگ
grün (6A3)	سبز
Grüß Gott! (3A1)	سلام!
die Gurke, – n (4A2)	خیار
gut	خوب
Guten Tag! (1A2)	روز بخیر! سلام!
Guten Appetit! (7A2)	نوش جان!

H

haben (1A3)	داشتن
der Hafen, ¨– (6A1)	بندر
halb (3A3)	نیم، نصف
eine halbe Stunde (3C2)	نیم‌ساعت
Hallo! (1A1)	سلام! (دوستانه)

halten (5A3)	نگه داشتن
die Haltestelle, – n (5A3)	ایستگاه
das Handballspiel, – e (3Üb.3)	(بازی) هندبال
hängen (7A1)	آویزان کردن/بودن
der Hauptbahnhof, ¨–e (4Üb.3)	ایستگاه مرکزی راه‌آهن
das Haus, Häuser (3A1)	خانه
das Heft, – e (5A2)	دفترچه
heißen (1A1)	نام داشتن، معنی داشتن
helfen (7B)	کمک کردن
der Herr, – en (1A2)	آقا
der Herrenschirm, – e (6A3)	چتر مردانه
herzlich (5D1)	قلبی، صمیمانه، از صمیم قلب
heute (3A2)	امروز
hier (1A2)	این‌جا
hin / gehen (7B)	(به جایی) رفتن
das Hochhaus, ¨–er (2A3)	ساختمان بلند، مجتمع (مسکونی)
höchstens (6IG.)	حداکثر
hoffentlich (3A3)	اِن‌شاءالله، امید است که
holen (6A3)	(رفتن و) آوردن
der Honig (7Üb.3)	عسل
hören (7C2)	شنیدن
das Hotel, –s (1A4)	هتل
das Huhn, ¨–er (7A2)	مرغ
die Hühnersuppe, –n (7A2)	سوپ مرغ
der Hunger (7A1)	گرسنگی
Hunger haben (7A1)	گرسنه بودن

I

ich (1A1)	من (ضمیر فاعلی ــ اول شخص مفرد)
Ihr (3A1)	مالِ شما... تان (ضمیر ملکی برای ضمیر فاعلی شما ــ حالت محترمانه)

ihr	شما (ضمیر فاعلی ــ دوم شخص جمع)
	مال آن‌ها... شان (ضمیر ملکی سوم شخص جمع)
	مال ِاو ...َش (مؤنث) (ضمیر ملکی سوم شخص مفرد)
immer (3A3)	همیشه
der Imperativ, – e (2B)	وجه امری
in (2A3)	در، داخل
in zehn Minuten (5A3)	تا ده دقیقه‌ی دیگر
der Infinitiv, – e (7B)	مصدر
interessant (7A4)	جالب توجه
die IRAN AIR (3Üb.6)	شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران

J

ja (1C)	بله، آری
das Jahr, – e (6Üb.10)	سال
jetzt (3C1)	حالا، اکنون

K

der Kaffee, – s (4Üb.5)	قهوه
das Kalb, ¨–er (7Üb.1)	گوساله
der Kalbsbraten, – (7Üb.1)	استیک گوساله (نوعی گوشت سرخ کرده)
die Kamera, – s (5A4)	دوربین عکاسی
kariert (5A2)	شطرنجی، چهارخانه
die Karte, – n (5A2)	کارت پُستال
der Kartoffelsalat, – e (7Üb.5)	سالاد سیب‌زمینی
der Käse (4A1)	پنیر
kaufen (4A1)	خریدن
kaum (7C1)	به‌ندرت، به‌سختی
keine (r,s) (4B)	هیچ
kennen (2A2)	شناختن، مطلع بودن
kennen lernen	آشنا شدن
das Kind, – er (6A4)	کودک، بچه

die Klasse, – n (5C3)	کلاس درس
klein (5A1)	کوچک
kochen (4A1)	پختن
kommen (1A1)	آمدن
kommen aus... (1A1)	اهلِ... بودن
kommen nach	آمدن به
kommen zum (zur)... (4IG.)	رسیدن به
können (4A1)	توانستن
die Konversation, – en (3D)	مکالمه
kosten (4A2)	ارزش/قیمت داشتن
krank (3A2)	بیمار
das Krankenhaus, ¨– e (4Üb.9)	بیمارستان
der Kugelschreiber, – (5A2)	خودکار
das Kurzgespräch, – e (1A)	گفت‌وگوی کوتاه، مکالمه‌ی کوتاه
die Kunst, ¨–e (5C3)	هنر
die Kunsterziehung (5C3)	درس هنر، (پرورش استعداد هنر (ی)

L

der Laden, ¨– (4A2)	دکان، مغازه
laufen (7C1)	دویدن، پیاده‌روی کردن
Ich kann kaum noch laufen (7B)	من نمی‌توانم پیاده‌روی کنم.
die Lektion, – en (1Te.)	درس
lesen (7A1)	خواندن
die Leseübung, – en (5D)	تمرین خواندنی
lieben (7A2)	دوست داشتن
Liebe Kinder! (7A2)	بچه‌های عزیز!
die Limonade, – en (4A2)	لیموناد
die Linie, – n (5A3)	خط
liniert (5A2)	خط‌دار، راه‌راه
links (1A4)	چپ، (به) طرف چپ

M

machen (4A1)	انجام دادن، کردن
mal (2A5)	دفعه، علامت ضربدر (./×) ، عملیات ضرب
die Mama (7A1)	مامان
man (4A1)	آدم (فاعل مجهول و نامعین دستوری)
manchmal (7D1)	گاهی اوقات
männlich (1B)	مذکّر
der Markt, ¨–e (6A1)	بازار
die Marmelade, – n (7Üb.3)	مربّا
maskulin (1B)	مذکّر
die Mathematik, – (5C3)	ریاضیات
mehr (5A2)	بیشتر، دیگر
mein (1C)	مالِ من، ...َم (ضمیر ملکی اول شخص مفرد)
meinen (7D2)	نظر داشتن
Was meinst du? (7D1)	نظر تو چیست؟
der Milch, – (7Üb.5)	شیر
das Mineral, – ien (4A2)	معدنی
das Mineralwasser (4A2)	آب معدنی
minus (2A5)	علامت منها، عملیات تفریق
die Minute, – n (6A2)	دقیقه
mit (3A1)	با
mit / kommen (3A1)	به همراه کسی آمدن
mit / nehmen (6A1)	با خود برداشتن
der Mittag, – e (6B)	ظهر
das Mittagessen (7A1)	ناهار
die Mittagspause, – n (6B)	استراحت ظهر، وقفه در کار روزانه به هنگام ظهر
der Mittwoch, – e (5C3)	چهارشنبه
möchten (4A2)	دوست/میل داشتن
ich möchte (4A2)	من میل دارم/دوست دارم
das Modalverb, – en (7B)	فعل مُعین/چگونگی

mögen (7B)	دوست/میل داشتن (فعل مُعین)
Magst du...? (7A3)	...میل داری؟... دوست داری؟
der Moment, – e (1A2)	لحظه
Moment mal! (3D3)	یک لحظه! صبر کن!
der Montag, – e (5C3)	دوشنبه
der Morgen, – (3A1)	صبح
die Moschee, – n (6Üb.1)	مسجد
der Motor, – en (7C)	موتور
das Motorrad, ¨–e (7C1)	موتورسیکلت
müde (7A1)	خسته
das Museum, Museen (5C1)	موزه
müssen (4Üb.1)	بایستن (فعل مُعین)
die Mutter, ¨– (7A1)	مادر
die Mutti, – s (6A4)	مادر جون، ماman

N

nach (3Üb.5)	به‌طرف ــ بعد از
der Nachmittag, – e (3A1)	بعدازظهر
die Nachricht, – en (7A1)	خبر
nach / sehen (7A4)	(رفتن و) دیدن
die Nacht, ¨– e (3C2)	شب
der Nachtisch, – e (7A2)	دسر (بعد از غذا)
der Name, – n (3A1)	اسم، نام
natürlich (6C1)	البته
neben (5A2)	جنب، نزدیک، پهلو
nebenan (5A2)	کنار، پهلو
nehmen (2A2)	گرفتن، برداشتن
ein Taxi nehmen (2A2)	تاکسی گرفتن
nein (1A1)	نه
neu (5A2)	نو ــ جدید ــ تازه
neutral (1B)	خنثی (از لحاظ دستوری)

nicht (1C)	(علامت منفی)، نـ... در جلوی فعل
..., nicht?	... مگر نه؟
noch (3A1)	هنوز
noch nicht (3A1)	هنوز نـ...، هنوز... نـ...
der Nominativ, – e (3B)	حالت فاعلی
die Notiz, – en (5A2)	یادداشت
das Notizheft, – e (5A2)	دفترچه‌ی یادداشت
die Nummer, – en (2A3)	شماره
nun (7D2)	اکنون، حالا
nur (1A3)	فقط

O

das Obst (4A1)	میوه
das Omlett, – s (4Üb.5)	اُملت
der Onkel, – (6A1)	عمو ــ دایی

P

der Papa, –s (7A2)	بابا
der Park, –s (1A4)	پارک
die Pause, –n (6B)	زنگ تنفس، وقفه‌ی کوتاه مدت در طول انجام یک کار
die Person, – en (6IG.)	شخص
der Pfennig, – e (4C)	فنیگ آلمان (یک صدم مارک ــ واحد سابق پول خرد آلمان)
der Plan, ¨–e (5B)	نقشه، طرح، برنامه
der Platz, ¨–e (2Te.)	جا، مکان، میدان، زمین
der Plural, – e (4B)	جمع
plus (2A5)	علامت جمع (+)، عملیات جمع
der Portier, –s (2A4)	دربان
die Post (1A4)	اداره‌ی پست، پست
praktisch (6A3)	عَمَلی (این‌جا : قابل استفاده، مفید)
Ist die Kamera praktisch?	آیا کار با این دوربین آسان است؟
das Präsens (7B)	زمان حال، مضارع

probieren (7A3)	امتحان کردن
das Programm, – e (7A4)	برنامه
prüfen (3Üb.4)	آزمودن
die Prüfung – en (3Üb.4)	امتحان، آزمون

R

das Rad, ¨er (7C1)	چرخ
radieren (5A2)	پاک کردن
der Radiergummi, – s (5A2)	مداد پاک‌کن
das Radio, – (7D1)	رادیو
das Rathaus, ¨er (2A2)	شهرداری
rechts (1A4)	راست، (به) طرف راست
der Regen (6)	باران
der Regenschirm, – e (6Üb.1)	چتر (بارانی)
regnen (6A1)	باران باریدن
Es regnet! (6A1,2)	باران می‌آید!
die Relegion, – en (5C3)	دین، مذهب
reparieren (7C1)	تعمیر کردن
die Reportage, – n (7A4)	رپرتاژ، خبر
die Republik, – en (4D1)	جمهوری
reservieren (6IG.)	رزرو کردن
das Restaurant, – s (3D1)	رستوران
der Rial, – (4D1)	ریال
richtig (6A2)	صحیح، درست
der Rinderbraten, – (7Üb.1)	استیک گوشت گاو (نوعی گوشت سرخ شده)
Rom (6B)	رُم (پایتخت ایتالیا)
der Roman, – e (7Te.)	رُمان
rot (5Üb.2)	قرمز
rufen (7A1)	صدا کردن/زدن
der Ruhetag, – e (7B)	روز استراحت

S

die Sachkunde, – n (5C3)	علم‌الاشیاء
sächlich (1B)	خنثی
der Saft, ⸚e (7Üb.5)	آب‌میوه، شربت
sagen (3A3)	گفتن
der Salat, – e (7A2)	سالاد
der Samstag, – e (5C3)	شنبه
der Satz, ⸚e (7B)	جمله
die Satzklammer, – n (7B)	قیود جمله
der Schein, – e (4C1)	اسکناس
scheinen (durch) (6A4)	تابیدن، درخشیدن (از میان)
der Schinken (7Üb.6)	ژامبون
der Schirm, – e (6A1)	چتر، سایبان (بارانی/آفتابی)
das Schirmgeschäft, – e (6A2)	مغازه‌ی چتر فروشی
schnell (7D1)	سریع، تند
das Schnitzel (7Üb.1)	شنیتسل (نوعی گوشت سرخ شده)
die Schokolade, – n (7A2)	شکلات
schön (7Üb.5)	زیبا، خوب
schreiben (5D1)	نوشتن
das Schreibwarengeschäft, – e (5A2)	فروشگاه لوازم‌التحریر
die Schulbibliothek, – en (7D1)	کتابخانه‌ی مدرسه
die Schule, – n (2A2)	مدرسه
schwarz (5A1)	سیاه
schwierig (7D2)	سخت، دشوار، مشکل
sehen (6A2)	دیدن
sehr (5A1)	خیلی، بسیار
sein (1B)	بودن
sein (6A1)	مال او ...َش (ضمیر ملکی سوم شخص مفرد مذکر و خنثی)
Sie (2A1)	شما، جناب‌عالی (ضمیر شخصی خطابی محترمانه)
sie (6A3)	آن‌ها، ایشان ــ او (ضمیر فاعلی سوم شخص مفرد مؤنث و جمع)
der Singular (4B)	مفرد

so (1C)	این‌قدر، این‌طور ــ بنابراین، پس
der Sohn, ¨– e (7C2)	پسر
sollen (6A1)	بایستن (فعل مُعین)
die Sonne, – n (6A4)	خورشید
die Sonnenbrille, – n (6A4)	عینک آفتابی
der Sonntag, – e (5A3)	یکشنبه
sonst (5A2)	وگرنه، در غیر این‌صورت
sparen (7C1)	پس‌انداز کردن پول
spät (3C1)	دیر
Wie spät ist es? (3C1)	ساعت چند است؟
der Speiseplan, ¨–e (7A2)	برنامه‌ی غذایی
das Spiel, – e (3A1)	بازی، سرگرمی
der Sport, – s (5A1)	ورزش
das Sportgeschäft, – e (5A1)	فروشگاه لوازم ورزشی
der Sportplatz, ¨–e (4Üb.4)	زمین ورزش
das Stadion, Stadien (3A2)	مجتمع ورزشی، استادیوم
die Stadt, ¨–e (5B)	شهر
der Stadtplan, ¨–e (5B)	نقشه شهر
die Straβe, – en (2A1)	خیابان
das Stück, – e (4C, 7D2)	سکّه ــ قسمت، تکه
die Stunde, – n (3C2)	ساعت (=۶۰ دقیقه، قابل شمارش)
der Stundenplan, ¨–e (5C3)	برنامه‌ی درسی
das Substantiv, – e (3B)	اسم (دستوری)
die Suppe, – n (7A2)	سوپ، آش

T

der Tag, – e (1A2)	روز
tausend (4C6)	هزار
das Taxi, – s (2A2)	تاکسی
der Taxifahrer, – (2A3)	راننده‌ی تاکسی
der Tee, – s (3A2)	چای
das Telefon, – e (3D1)	تلفن

das Telefongespräch, – e (6B)	مکالمه‌ی تلفنی
telefonieren (3A1)	تلفن کردن
die Telefonnummer, – n (4Üb.9)	شماره‌ی تلفن
die Telefonzelle, – n (4Üb.2)	کیوسک/باجه‌ی تلفن
der Teller, – (7D2)	بشقاب
das Tennisspiel, – e (3Üb.3)	بازی تنیس
Tennis spielen (3Üb.3)	تنیس بازی کردن
der Test, – s (1Te.)	آزمون
teuer (5A1)	گران
das Theater, – (3Üb.4)	تئاتر، تماشاخانه
der Tisch, – e (6IG.)	میز
die Tomate, – n (4A2)	گوجه‌فرنگی
der Ton, ¨– e (7C2)	صدا ــ لحن
Der Ton macht die Musik! (7C2)	این‌جا : جوابِ های، هوی است.
trennbar (7B)	جدا شدنی، تفکیک‌پذیر
trinken (3A2)	نوشیدن، آشامیدن
Tut mir leid! (2A1)	متأسفم!

U

üben (1)	تمرین کردن
über (7A4)	در مورد، درباره
überhaupt (7D2)	اصلاً
übermorgen (5D1)	پس‌فردا
die Übung, – en (1Üb.)	تمرین
die Uhr, – en (3C1)	ساعت (وسیله‌ی سنجش زمان ــ غیرقابل شمارش)
die Uhrzeit, – en (3C1)	زمان (اوقات)
um acht Uhr (3C1)	ساعت هشت
der Umlaut, – e (6C)	تغییر صدا (علامت تغییردهنده‌ی صدا)
unbedingt (7A4)	حتماً، قطعاً
unbestimmt (3B)	نامعین، نامعلوم
und (1A1)	وَ
die Universität, – en (2Üb.4)	دانشگاه

unser (7C1)	مال ِما،... مان (ضمیر ملکی اول شخص جمع)
der Unterricht, – e (3Üb.4)	درس
unterrichten (3Üb.)	تدریس کردن
der Urlaub (6A1)	مرخصی

V

der Vater, ¨– (7A1)	پدر
der Vati, –s (6A4)	پدر جان، بابا
die Verabredung, – en (3A)	وعده‌ی ملاقات
das Verb, – en (3B)	فعل
der Verkäufer, – (4A2)	فروشنده (مرد)
die Verkäuferin, –nen (6A3)	فروشنده (زن)
der Verkehr (6A2)	آمد و رفت، ترافیک
die Verkehrsampel, –n (6A2)	چراغ راهنمایی
verstehen (1C)	فهمیدن
die Verzeihung, – en (7D2)	عذر، پوزش
viel (2A2)	زیاد، بسیار، خیلی
Vielen Dank! (2A2)	بسیار متشکرم! خیلی ممنونم!
vielleicht (3D3)	شاید
das Viertel (3C2)	یک چهارم، ربع
das Volleyballspiel, – e (3Üb.3)	بازی والیبال
Volleyball spielen (3Üb.3)	والیبال بازی کردن
von (2A1)	از
vorbei (7A4)	به پایان رسیده، گذشته
Das Abendessen ist vorbei.	شام تمام شده است.
der Vormittag, – e (3C3)	پیش از ظهر
heute Vormittag (3C3)	امروز پیش از ظهر

W

der Wagen, – (4A1)	ماشین، اتومبیل
wahrscheinlich (6A4)	احتمالاً

wann? (3A1)	چه وقت؟ کی؟
warum? (6A1)	چرا؟
warum denn? (6A1)	برای چه؟
was? (3Üb.1)	چه؟ چه چیز؟
Was für ein...? (5A1)	چه (نوع)...؟
Was für welch...? (5B)	کدام...؟
Was gibt's...? (7A)	چی داریم؟
Was ist denn los? (7A1)	چی شده؟ چه خبره؟
das Wasser (4A2)	آب
wechseln (4D3)	خرد کردن پول ــ تغییر کردن/دادن
weiblich (1B)	مؤنث
weiß (5A1)	سفید
weit (2)	دور
Ist das weit? (2A2)	خیلی دور است؟
weiter (machen)	ادامه دادن (به کاری)
Welch–? (4B)	کدام؟
die Wendung, – en (2IG.)	اصطلاح
wer? (1C)	چه کسی؟ کی؟
die Werkstatt, ¨–en (7C1)	کارگاه
wichtig (7A4)	مهم
wie? (1C)	چگونه؟ به چه نحو؟
Wie bitte? (1C)	چه فرمودید؟
Wie ist dein Name? (3Üb.1)	اسم تو چیست؟
Wie ist Ihr Name? (3A1)	اسم جناب‌عالی چیست؟
wieder (3A3)	مجدداً، دوباره
wiederholen (2IG.)	تکرار کردن
die Wiederholung, – en (2)	تکرار
Wie schön! (6A4)	چقدر خوب!
wir (3A1)	ما (ضمیر فاعلی ــ اول شخص جمع)
wissen (2A1)	دانستن
die Wissenschaft, – en (7D1)	دانش، علم

wissenschaftlich (7D1)	علمی
wo? (1A4)	کجا؟
woher? (1A1)	از کجا؟
woher kommst du? (1A1)	اهل کجایی؟ ـ از کجا می‌آیی؟
Woher soll ich das wissen? (7A3)	من از کجا بدانم؟
wohin? (2Üb.3)	به کجا؟
Wohin denn? (3A1)	آخر به کجا؟
wohnen (6A1)	سکونت داشتن
wollen (3A1)	خواستن (فعل مُعین)
das Wort, ¨–er (2IG.)	کلمه، واژه
Kein Wort mehr! (= Ich will kein Wort mehr hören!) (7C2)	دیگر بس است!
die Wortbildung, – en (6B)	شکل‌گیری کلمه، ساخت کلمه
die Wortstellung, – en (7B)	ترتیب کلمات در جمله
die Wurst, ¨–e (4A1)	کالباس ـ سوسیس

Z

die Zahl, – en (2C)	عدد
die Zeit, – en (3C1)	زمان ـ وقت
die Zeitung, – en (7A4)	روزنامه
der Zettel, – (7A1)	یادداشت
ziemlich (2A2)	تقریباً
zuerst (6A1)	در ابتدا
der Zug, ¨–e (3Ub.2)	قطار
Zürich (1Üb.3)	زوریخ
zurück/fahren (3A1)	برگشتن، مراجعت کردن
zurück/kommen (7B)	برگشتن به محل اولیه
zuviel (7C1)	زیادی، بیش از حد
Hast du denn zuviel Geld? (7C1)	مگر پولت زیادی کرده؟

منابع قابل مراجعه

فرهنگ لغت و واژه‌نامه

فرهنگ آلمانی ــ فارسی، فرامرز بهزاد، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۸۱، چاپ اول

واژه‌نامه‌ی پایه‌ی زبان آلمانی، فرامرز بهزاد، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۸، چاپ هشتم

Pons, Basiswörterbuch, Ernst Klett verlag, ISBN: 3 - 12- 517203 - 9

Duden, Bildwörterbuch für Kinder, Duden Verlag, ISBN 3 - 411 - 07051 - X

Lehrwerke für Kinder und Jugendliche:

کتب آموزشی

(در سطح آموزشی A1,A2)

1 – Tamburin 1, Hueber Verlag

Lehrbuch: ISBN: 001577 - 5

Arbeitsbuch: ISBN: 011577 - X

Tamburin 2, Hueber Verlag

Lehrbuch: ISBN: 001578 - 3

Arbeitsbuch: ISBN: 011578 - 8

Tamburin 3, Hueber Verlag

Lehrbuch: ISBN: 001579 - 1

Arbeitsbuch: ISBN: 011579 - 6

2 – Planet 1, Hueber Verlag

Kursbuch: ISBN: 001678 - X

Arbeitsbuch: ISBN: 011678 - 4

Planet 2, Hueber Verlag

Kursbuch: ISBN: 001679 - 8

Arbeitsbuch: ISBN: 011679 - 2

3 – Ping pong Neu 1, Hueber Verlag

Lehrbuch: ISBN: 001654 - 2

Arbeitsbuch: ISBN: 011654 - 7

Ping pong Neu 2, Hueber Verlag

Lehrbuch: ISBN: 001655 - 0

Arbeitsbuch: ISBN: 011655 - 5

4 –Themen Aktuell 1.

Kursbuch mit CD - ROM ISBN 001690 - 9

Arbeitsbuch: ISBN: 011690 - 3

Themen Aktuell 2

Kursbuch: ISBN: 001691 - 7

Arbeits buch: ISBN: 011691 - 1